

کارگر کمونیست ۲۲

پنجشنبه، ۱۰ آذر ۱۳۸۴
۱ دسامبر ۲۰۰۵

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

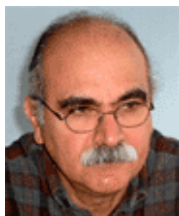
www.wpiran.org/kk-index.htm

حکم ابلاغ شده به فعالین کارگری در شهر سقز باید فوری لغو شود

صفحه ۷

کمپین جهانی در اعتراض به جمهوری اسلامی و برای لغو

محکومیت فعالین اول ماه مه سقز حسن صالحی صفحه ۷



مبارزه علنی، مبارزه قانونی متن گفتگوی شهلا دانشفر با حمید تقوایی در برنامه تلویزیونی "کارگران و یک دنیای بهتر"

چطور میشود مبارزه ای علنی را به پیش برد و رادیکال بود؟ میخواستم نظر شما را بپرسم.
حمید تقوایی: واضح است که مبارزه کارگر مبارزه ای است علنی.

صفحه ۲

مایپشروی های زیادی را شاهد بودیم. امروز شاهد سئوالاتی هستیم که به جنبه های عملی این بحث مربوط میشود. مثل مسائلی که دوستان ما، فعالین ما در زمینه عمل با آن مواجه شده اند، از جمله یکی از دوستان ما سئوال میکند

شهلا دانشفر: حمید تقوایی حدود دو سال پیش بود که بحثی از جانب شما طرح شد، تحت عنوان ابراز وجود اجتماعی و علنی رهبران عملی و همانطور که میدانید این بحث با استقبال زیادی روبرو شد. خیلی جاها عملاً بکار گرفته شد.



کارگران و حزب

کاظم نیکخواه

این هفته سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران را پشت سر گذاشتیم. حزب کمونیست کارگری یک دستاورد ارزشمند طبقه کارگر است و هر کارگری که به رهایی خود و طبقه اش از موقعیت بردگی مزدی می اندیشد بی تردید این حزب را ارجح میگذارد. چهارده سال پیش روز ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ (۹ آذر ۱۳۷۰) در اوج تهاجم بورژوازی جهانی به چپ و کارگر و کمونیسم، منصور حکمت این حزب را بنا نهاد تا سنگر مستحکمی در دفاع از آرمانهای طبقاتی کارگران باشد. با فروپاشی شوروی و بلوک شرق بورژوازی پایان کمونیسم و در کنار آن پایان تاریخ و پایان انسانیت و آرمانگرایی و رادیکالیسم کارگری را با بیشترین جنجال و خیلی از ژورنالیسم مرتجع و نوکر و نان به نرخ روز خور جشن گرفت. این جشن دیری نپایید. خیلی زود معلوم شد انسانیت نمرده است. چپ زنده است. کارگر یک طبقه قدرتمند اجتماعی است. تاریخ به پیش میروند. بشریت زنده است و به عقب گرد تاریخی کردن نمیگذارد. هنوز این جدال در تمام جبهه ها ادامه دارد و ارتجاع مشمژ کننده ای که بورژوازی در

حکم زندان به ۵ نفر از فعالین اول مه تعرض به کل کارگران است

صفحه ۵

شهلا دانشفر

در مورد سر دبیری کارگر کمونیست

نشریه را منتشر نمود قدردانی میکنم. رفیق فاتح بدلیل مشغله هائی که داشت این مسئولیت را واگذار نمود. برای او نیز در انجام وظایف حزبی اش آرزوی موفقیت دارم.
با درود
حمید تقوایی

سر دبیری نشریه کارگر کمونیست بعهد رفیق کاظم نیکخواه قرار میگیرد. امیدوارم رفیق کاظم در انجام این وظیفه موفق باشد.
همین جا از رفیق فاتح بهرامی، که سر دبیری کارگر کمونیست در دوره جدید را بعهده داشت و با پشتکار و جدیت ۲۰ شماره این

از: حمید تقوایی
به: کاظم نیکخواه و فاتح بهرامی
تاریخ: ۲۳ نوامبر ۲۰۰۵
موضوع: تغییر سر دبیر کارگر کمونیست
رفقا کاظم و فاتح عزیز
از این تاریخ مسئولیت

عسلویه یک اردوگاه اجباری
کار با ۵۲۰۰۰ کارگر
گزارشی از ناصر بهروزی - کارگری از
عسلویه
صفحه ۹

"کارگران نفت باید خجالت
بکشند"! ناصر اصغری
در حاشیه اظهارات کورش مدرسی
درباره کارگران - صفحه ۱۰

جنبش کارگری و خیل
منتقدین
یاشار سهندی
صفحه ۱۲

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مبارزه علنی ، مبارزه قانونی ...

از صفحه ۱

نمی‌توانند آنطور که مثلا حزب علی‌جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کنند بیانیه و اعلامیه بدهند و یا سخنرانی کنند. اما به نظر من امروز در ایران شرایط طوری هست که مبارزه کارگران علیه بی‌حقوقها و مبارزه صریح و مستقیم علیه نظام سرمایه داری و طرح خواسته‌های مشخص کارگری همه می‌تواند بصورت خیلی رادیکال و علنی دنبال بشود. بعنوان يك نمونه دیگر خواست ۴۵۰ هزار تومان که با استقبال نسبتا وسیعی از جانب کارگران در شهرهای مختلف روبرو شده يك خواست رادیکال و پیشرو است. يك خواستی است که همه طبقه کارگر را می‌تواند متحد کند و می‌تواند یکی از مسائل مهم کارگران یعنی سطح معیشت پایین و فشار اقتصادی را تا حد زیادی تخفیف دهد. مبارزه ایست کاملاً بحق، رادیکال و يك خواست عاجل کارگران را هدف قرار داده است و می‌خواهد آنرا متحقق کند. و یا مبارزاتی که کارگران برای کلا ارتقای شرایط کارشان به آن دست می‌زنند. مبارزه علیه اخراجها، بیمه بیکاری، همه اینها مبارزات رادیکالی است که فعالین کارگری می‌توانند به شکل علنی تدارک ببینند و سازماندهی کنند.

در يك سطح دیگر این مبارزات رادیکال است به این معنی که فعالین و رهبران و آژنتاتورهای کارگری در دل این مبارزات علیه سرمایه داری صحبت و تبلیغ می‌کنند. موقعیت طوری است، وضعیت جمهوری اسلامی و توازن قوا طوری است که برای حکومت ممکن نیست که براحتی بتواند اعتراض و مبارزه کارگران علیه نظام سرمایه داری را سرکوب کند. همانطور که اشاره کردم ما شاهد بودیم که در قطعنامه های کارگری و در مناسبتهای مختلف کارگران علیه سرمایه حرف زدند و در واقع هر روزه مبلغین و رهبران علنی کارگری علیه سرمایه داری و علیه استثمار تبلیغ می‌کنند و این در يك

کارگری حمایت جلب می‌کنند. ما در این زمینه نمونه های موفقی مشخصا در شهرهای کردستان و بویژه در جریان اعتصابات ممتد کارگران شاهو و نساجی سنجند داشته ایم. در این مبارزات خانواده های کارگری وسیعا فعال بودند و مردم شهر را بسیج کردند. کارگران کمیته اعتصاب و صندوق اعتصاب تشکیل دادند و برای جلب حمایت بمیان مردم رفتند. در این اعتصابات و اعتراضات اسم و رسم کارگران روشن است. اعلام شده است و همه میدانند چه کسانی در راس اعتصاب هستند. در تمام طول اعتصاب کارگران مجمع عمومی تشکیل دادند و اعتصاب را به پیش بردند. کارگران شاهو و نساجی سنجند دستاوردهای ارزشمندی در این زمینه داشته اند که باید الگوی

مبارزات کارگری در سراسر ایران قرار بگیرد اما شکل مبارزه علنی تنها منحصر به کردستان نیست. بعنوان نمونه در همین اول ماه امسال دیدیم که کارگران با اسم و رسم و بطور علنی در تهران و در چند شهر دیگر میتینگ گذاشتند. تظاهرات و گرد همایی داشتند. علیه سرمایه داری قطعنامه صادر کردند و سخنرانی کردند و سازماندهندگان و سخنرانان هم همه شناخته شده بودند. این سبک کار علنی و اجتماعی امروز دیگر يك تجربه ارزشمند جنبش کارگری است. پرسیدید آیا این مبارزات می‌تواند رادیکال باشد؟ به این سؤال هم امروز دیگر تجربه پاسخ مثبت داده است. همین نمونه اول ماه امسال را در نظر بگیرید، کارگران قطعنامه های خیلی رادیکالی علیه سرمایه داری صادر کردند. سرود انترناسیونال در گردهمایی و در تجمعاتشان پخش کردند که گزارشاتش با عکس و تفصیلات روی سایتها منتشر شد. البته روشن است که در مبارزه علنی باید توازن قوا را در نظر گرفت و واضح است که در شرایط حاضر فعالین شناخته شده جنبش کارگری

این مبارزه با فعالیت سازمانهای فرقه ای و یا حرفه ای مخفی نظیر گروههای چریکی که قبلا در ایران داشتیم و یا در جاهای دیگر بود اساسا متفاوت است. مبارزه کارگری همیشه مبارزه ایست که در سطح اجتماعی قابل مشاهده است. علنی است. به شکل تظاهرات و یا به شکل اعتصاب و یا تحصن و هر شکلی که داشته باشد جنبش کارگری مبارزه اش رو در رو با کارفرما و رو در رو با رژیم حافظ منافع طبقه سرمایه دار است و این دست ما نیست که بگوییم که آیا مبارزه را باید علنی کرد یا نه. مبارزه علنی است و مبارزه اجتماعی طبقه کارگر همیشه علنی اتفاق می افتد. سؤال اینجاست که این مبارزه تدارک و سازماندهی و رهبری اش باید به چه شکلی انجام گیرد. آیا این را باید علنی انجام داد یا مخفی انجام داد. بنابراین همه بحث علنی حول این مساله تدارک و سازماندهی مبارزه معنی و موضوعیت پیدا می‌کند. اینکه سازماندهی و رهبری این مبارزات تا چه حد علنی و چه حد مخفی است، در بحث ابراز وجود اجتماعی کارگران که همانطور که شما اشاره کردید حزب ما حدود دو سال پیش مطرح کرد، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته. يك رکن این بحث تاکید بر این بود که سازماندهی و رهبری مبارزات کارگری نیز مانند خود این مبارزات اساسا امری است علنی و رهبران جنبش کارگری باید چهره های علنی و شناخته شده در میان کارگران و در سطح جامعه باشند. خوشبختانه امروز دیگر این صرفا يك نظر نیست بلکه تجربه خود کارگران است. امری است که در سطح نسبتا وسیعی در مبارزات کارگری اتفاق افتاده و امروز ما می بینیم نه تنها کارگران پیشرو و رهبران عملی مبارزات، بلکه خانواده و همسران آنها هم قدم بجلو گذاشته اند و با اسم و رسم خودشان بیابیه و اطلاعیه میدهند و طومار جمع می‌کنند و برای مبارزات



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kargar_komonist@yahoo.com

Fax: 001 309 404 1794

مسئول اجرائی: ناصر اصغری

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

جلیل بهروزی

jalil1917@yahoo.com

شاهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

محمد مزرعه کار

sammymazraekar@yahoo.com

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

مبارزه علنی، مبارزه قانونی...

از صفحه ۲

سطح وسیع و به شکل علنی صورت میگیرد. عدم پرداخت دستمزد و در واقع سرقت بیشرمانه دسترنج کارگران، یعنی نرخ استثمار بی نهایت. وقتی شمره کار کارگری را تصاحب میکنند و هیچ چیز به کارگر نمیدهند این حداکثر استثمار ممکن و در واقع استثمار با نرخ بینهایت است. در این شرایط آژیوتاتورهای کارگری میتوانند رادیکال ترین نقد ها به نظام سرمایه داری را بر میان توده کارگران ببرند، ماهیت سرمایه دارانه این مسایل را توضیح دهند و بر این مبنا اعتراضات و مبارزات کارگری را سازمان بدهند و به پیش ببرند.

شهلا دانشفر: شما در صحبت هایتان به درستی گفتید که مبارزات جاری کارگران نمیتواند علنی نباشد و نمیتواند شکل علنی به خود نگیرد. این مبارزات نمیتواند مخفی باشد. مبارزه برای دستمزد علنی است. مبارزه علیه بیکاری علنی است. اما مساله سازمان این مبارزات است، منظورات چیست؟ حمید تقوایی: ببینید هر مبارزه ای فقط همان روزی که اتفاق می افتد خلق نمیشود. هر مبارزه ای فعالینی دارد که از قبل بحث را به میان کارگران برده اند، آنها را جمع کرده اند، احتمالاً جلساتی گذاشته اند، مجمع عمومی ای گذاشته اند، آماده کرده اند صفوفشان را و روز اعتصاب و خواستها و دیگر عوامل مربوط به پیش برد مبارزه را تعیین کرده اند. بنابراین هر مبارزه ای تدارک دیده میشود و سازماندهانی دارد.

شهلا دانشفر: منظورات اینست که این تدارک مخفی صورت میگیرد؟

حمید تقوایی: خیر، این امر اساساً فعالیتی علنی است. البته یک جنبه ای از تدارک اعتصابات و مبارزات کارگری ممکن است مخفی باشد. من نمیگویم صدر درصد همه این ها علنی است. ممکن است پیشروان کارگر دور هم جمع شوند، در محافلی یا در حوزه

ای حزبی یا در هر حال در جمع محدود تری نقشه ای بریزند برای عمل اعتصاب. در این حد ممکن است مخفی باشد و حتی در کشورهای غربی هم به این معنی در این سطح مخفی هست. تصمیم گیری ای که ممکن است در بین رهبران عملی بشود که مثلاً ببینند در رابطه با یک مساله معین چه بکنند. اما از آن به بعد، وقتی این تصمیم گرفته شد و بخواهند سازمان بدهند، دیگر باید کارگران را به حرکت در بیاورند. به چند معنا این مبارزه دیگر نمیتواند از اینجا به بعد مخفی باشد. یکی اینکه کارگر نمیتواند به طور مخفی بسیج شود و آگاه شود. کارگران باید فراخوان اعتصاب را از کسانی که به آنها اعتماد دارند بشنوند. نمیشود با شنبامه یا با یک ورقه بی امضا و یا فقط با یک شعار نویسی روی دیوار کارگران را بسیج کرد. شاید جنبش دانشجویی بتواند این کار را بکند. ولی جنبش کارگری مکانیزم کارش اینطوری نیست. کارگران رهبران شناخته شده میخواهند. افرادی میخواهند که به آنها اعتماد داشته باشند. این افراد هستند که وقتی میگویند فلان روز اعتصاب میکنیم، توده کارگران هم در یک کارخانه یا در یک منطقه به آنها اقتدا میکنند و قبول میکنند این را. به خاطر اینکه خود آن افراد را قبول دارند. از همین جا می بینید که نقش فرد و نقش رهبر عملی جنبش کارگری خیلی برجسته میشود. و این رهبر چهره ایست علنی. قبلاً کارگران او را دیده اند. در دل مبارزات مختلف او را ارزیابی کرده اند. به او اعتماد کرده اند. دیده اند همیشه خواستهای آنها را به بهترین نحو به پیش میبرد. سازشکاری نمیکند و به همه این دلایل به او اعتماد میکنند. این چهره ها باید برای تدارک سازماندهی یک مبارزه ای حرکت کنند و جلو بیافتند. یک راهش اینست که به نظر من فوری به مجمع عمومی متوسل شوند. برای اینکه

بتوانند این چهره های علنی در این سطحی که من میگویم بصورت علنی مبارزه ای را تدارک و سازماندهی کنند، راهش اینست که توده کارگر را فوری درگیر کنیم. فوری کارگران را در مجمع عمومی جمع کنیم. قراری بگذاریم بگویم مثلاً در نهارخوری یا در فلان سالن کارخانه در پنجشنبه بعد ازظهر اجتماع میکنیم. برای اینکه حول مساله معینی صحبت کنیم. کارگران جمع میشوند و حرفشان را میزنند. نفس این اقدام ممکن است. میشود این کار را کرد. در خیلی از کارخانه ها مجمع عمومی ها همین الان هم هست و همیشه در دل مبارزات ما دیده ایم که مجمع عمومی تشکیل میشود. بنابراین این کارگران باید به این سنت متکی شوند و مجمع عمومی را فوری تشکیل دهند و از آن به بعد دیگر قدرت کل کارگران پشت این نمایندگان است.

یک ضرورت دیگر تدارک علنی مبارزات در این است که در واقع فعالیت علنی رهبران و سازماندهندگان مبارزات کارگری را به توده کارگران متکی میکند و این اعمال فشار پلیسی از طرف کارفرما یا دولت را بر مبارزه کارگران و رهبران، و نمایندگانشان بسیار سخت تر میکند. برخلاف آنچه به نظر میرسد تدارک و سازماندهی و رهبری مبارزات کارگری به شکل علنی بسیار امن تر از فعالیت مخفی است. چون کارگر امکان پیدا میکند به شکل مجمع عمومی و به شکل جمعی پشت نمایندگانش باشد. پشت رهبرانش باشد. ما نمونه این را فرض کنید در مبارزه کارگران نساجی در سنندج دیدیم. در موردی که کارفرما و یا اداره حراست لیست اسامی ای را اعلام کرد برای اینکه میخواهند از بین کارگران نمایندگانشان را بیرون بکشند و تحت فشار قرار دهند و تهدید و یا مواخذه کنند. وقتی اسما را اعلام میکردند در مجمع عمومی، در پاسخ به هر اسمی که خوانده میشد همه کارگران با هم یکصدا میگفتند من هستم! و بالاخره عوامل دولت ناگزیر شدند دشمنان را روی کولشان بگذارند و

بروند بی کارشان! به این ترتیب کارگران عملاً تاکتیک تفرقه اندازی حکومت و دست چین کردن عده ای از بین کارگران و تحت فشار قراردادن نمایندگان خود را خنثی کردند. این خاصیت و قدرتی است که مجمع عمومی به حرکت کارگران میدهد. این نمونه ها و این الگوها باید سرمشق قرار بگیرد و در تمام مبارزات کارگری به پیش برده شود.

بطور خلاصه من میخواهم بگویم که تدارک و سازماندهی مبارزه کارگر لااقل بعد از قدمهای اولیه اش علنی انجام بگیرد و یک شرط اصلی پیشبرد کامل و موفقیت آمیز این تدارک و سازماندهی مبارزه علنی، متکی شدن به مجمع عمومی و بردن فوری بحث و تصمیم گیری در مجمع عمومی است. و به این ترتیب یک رابطه نزدیک و پیوسته ای بین کارگران، کل کارگران، توده کارگران در یک کارخانه، یا در یک واحد تولیدی در یک منطقه با نمایندگانشان برقرار میکنیم که اعمال فشار پلیسی برای رژیم را حتی سخت تر خواهد کرد و زمینه را برای پیشبرد موفقیت آمیز و به فرجام رساندن مبارزات کارگری فراهم خواهد ساخت.

شهلا دانشفر: اتفاقاً سؤال دیگری که دوستان ما طرح کرده بودند، اینست که چطور میشود قدرت بسیج داشت و چطور میشود امنیت فعالیت را حفظ کرد که شما به جنبه هایی از آن اشاره کردید، اما دوست دیگری می پرسد که قانون چه جایگاهی در مبارزه ما کارگران دارد؟ پاسخ شما به این سؤال چیست؟

حمید تقوایی: قانون به دو معنی وارد مبارزه میشود، یکی اینکه ما مطالبات معینی داریم. ما، بعنوان طبقه کارگر مطالبات معینی داریم که در همین جامعه قابل حصول است. برای اینکه این خواستها بدست بیاید و تثبیت شود باید

تبدیل به قانون بشود. مثلاً قانون کار، یا قوانین عمومی دیگر، قوانین بیمه های اجتماعی و غیره. بخشی از این مطالباتی که ما در این جامعه مطرح میکنیم، فرض کنید قانون بیمه بیکاری، مساله حداقل دستمزد ها که الان مساله حادی است، شرایط ایمنی در محیط کار که اینهم مساله مهمی است برای کارگران، به رسمیت شناختن حق اعتصاب، حق تشکل های غیر دولتی و مستقل کارگری، همه اینها خواستهایی است که باید تبدیل به قانون شود و تثبیت شود. تشبیت حقوقی هر یک از این مطالبات برای جنبش کارگری یک قدم به پیش است. بنابراین قانون اینجا معنی دارد و کارگران باید برای تثبیت قانونی خواستهایشان مبارزه کنند. منتها خیلی روشن است این قوانینی که بخواهد در هر کدام از همین سطح هایی که گفتم خواستهای کارگران را واقعاً متحقق کند فقط میتواند با مبارزه رادیکال کارگران حاصل شود. حقوق کارگران از جمله قوانینی نیست که نمایندگان پارلمان خودشان به کارگران اعطا کنند. این حقوق همه گرفتاری است. درست است، شکل قانونی دارد ولی اینها را باید طبقه کارگر با مبارزه از پایین و به زور به طبقه سرمایه دار تحمیل کند. اگر در کشورهای سرمایه داری غربی در کشورهای نسبتاً پیشرفته تر صنعتی میبینیم که حقوق قانونی کارگران خیلی بیشتر از حقوق کارگران در ایرانست به خاطر دهها سال مبارزه بی وقعه کارگران در این کشورهاست. هیچکدام از این حقوق از بالا از طرف پارلمان یا دولت به کارگران اعطا نشده است. برای تک تک اینها اعتصابهای زیادی شده، مبارزات شده، انقلابها شده، تظاهراتها و اشکال مختلف مبارزات وسیع کارگری شکل گرفته تا بالاخره الان مثلاً فرض کنید قوانین بیمه های اجتماعی، قوانین بیمه های بیکاری، حق

سایت روزنه

www.rowzane.com

مبارزه علنی، مبارزه قانونی... از صفحه ۳

بازنشستگی، حداقل دستمزد، ساعت کار و غیره و غیره به این صورت که الان در اروپا و در غرب هست برسمیت شناخته شده. و این مبارزه همیشگی ایست که تا وقتی سرمایه داری هست ادامه خواهد داشت. مبارزه کارگران برای کسب هر چه بیشتر حقوق خودشان در همین جامعه همیشه ادامه خواهد داشت. و این را هم بگویم که ثمره این مبارزات از خود طبقه کارگر فراتر می‌رود. اگر ما در یک سطح وسیعتر اجتماعی ببینیم، مثلاً بیمه بیکاری شامل همه کارمندان و شامل همه حقوق بگیران جامعه می‌شود، یا پایین آوردن سن بازنشستگی یا افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار و بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر که امروز در جوامع پیشرفته صنعتی وجود دارد اینها همه در نهایت ثمره مبارزات کارگری در کشورهای غربی است. در مورد ایران هم دقیقاً همینطور است و بنابراین باید کاملاً متوجه بود که کل جامعه از تشبیت قانونی خواستهای کارگران بهره مند می‌شود و مبارزه برای تشبیت قانونی این حقوق در واقع مبارزه برای ارتقای شرایط کار و زندگی در یک مقیاس سراسری در کل جامعه است.

فرض کنید الان حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان مطرح است. این را باید برایش مبارزه کرد. باید مبارزه کرد که این خواست تبدیل به قانون شود و قانون کار حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان را به رسمیت بشناسد. وقتی این تشبیت شد نه فقط همه کارگران، بلکه همه کارمندان، همه حقوق بگیران از آن بهره مند خواهند شد. و این یک مثال دیگری است که نشان میدهد طبقه کارگر چطور حتی در مبارزات اقتصادی کل مردم را نمایندگی میکند. کل مردمی که سرمایه دار نیستند و در استثمار سرمایه داری مستقیماً ذینفع نیستند، طبقه کارگر با این مبارزه اش همه آنها را نمایندگی میکند. تشبیت قانونی یک قدم بزرگ در پیشرفت این مبارزه است. یا همینطور در عرصه های

بازنشستگی، حداقل دستمزد، ساعت کار و غیره و غیره به این صورت که الان در اروپا و در غرب هست برسمیت شناخته شده. و این مبارزه همیشگی ایست که تا وقتی سرمایه داری هست ادامه خواهد داشت. مبارزه کارگران برای کسب هر چه بیشتر حقوق خودشان در همین جامعه همیشه ادامه خواهد داشت. و این را هم بگویم که ثمره این مبارزات از خود طبقه کارگر فراتر می‌رود. اگر ما در یک سطح وسیعتر اجتماعی ببینیم، مثلاً بیمه بیکاری شامل همه کارمندان و شامل همه حقوق بگیران جامعه می‌شود، یا پایین آوردن سن بازنشستگی یا افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار و بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر که امروز در جوامع پیشرفته صنعتی وجود دارد اینها همه در نهایت ثمره مبارزات کارگری در کشورهای غربی است. در مورد ایران هم دقیقاً همینطور است و بنابراین باید کاملاً متوجه بود که کل جامعه از تشبیت قانونی خواستهای کارگران بهره مند می‌شود و مبارزه برای تشبیت قانونی این حقوق در واقع مبارزه برای ارتقای شرایط کار و زندگی در یک مقیاس سراسری در کل جامعه است.

مناسبت سالگرد تصویب قانون کار جمهوری اسلامی، شوراهای اسلامی حتی پیشنهاد بازگشت به پیش نویس اول قانون کار را داده است که اگر خاطرتان باشد، اندر باب اجاره نوشته شده بود و اسم کارگر را هم در آن حذف کرده بودند. اینکه تلاش میشود تا مبارزه را در چهارچوب قانونی محصور نگه دارند، بویژه طرحی که الان شوراهای اسلامی دارد به پیش میکشد، در واقع تدارک یک تهاجم جدیدی به جنبش کارگری است، در این مورد چه می‌گویید؟

حمید تقوایی: ببینید این نوع مبارزه به اصطلاح قانونی به این معنی که ما در چهارچوب قانون مبارزه کنیم و مواظب باشیم که قانون را نشکنیم، به نظر من هیچ ربطی به مبارزه واقعی کارگران ندارد. شیوه‌هایی که همین الان از طرف تشکلهایی مثل خانه کارگر و شوراهای اسلامی و غیره به پیش برده میشود و یا آنموقع که دوم خرداد بالاخره برو بیایی داشت، شاخه دوم خردادی‌ها بحث را اینطوری طرح می‌کردند. الان هم همینطور است. منظور ما از استفاده از قانون و یا مبارزه قانونی به هیچ وجه این نیست. این محدود نگه داشتن و عقب نگه داشتن مبارزه کارگران است. ببینید خواستها و مطالبات کارگران از قانون در نمی‌آید. از زندگی واقعی شان در می‌آید. کارگر حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان را احتیاج دارد، برای اینکه واقعا یک خانواده کارگری بتواند یک زندگی تازه نه مرفه، بلکه یک زندگی قابل تحملی داشته باشد. این حداقل است. این از زندگی کارگر در می‌آید و اگر قانون ۴۵۰ هزار تومان را برسمیت نمیشناسد برای تغییر آن باید جنگید و نه در چهارچوب آن. باید مبارزه کرد برای اینکه این قانون تغییر پیدا کند و خواست کارگران را برسمیت بشناسد. یک نمونه دیگر استفاده از قانون به معنی استفاده تاکتیکی از امکاناتی است که قانون ممکن است بوجود بیاورد. نمونه‌ای که من الان به خاطر آمد نمونه اعتراض اخیر کارگران شرکت واحد است. از این قضیه که قانون می‌گوید راننده

باید فقط رانندگی کند و مسئول فروش بلیط نیست، رانندگان استفاده کردند و اعتراضشان را بصورت نگرفتن بلیط نشان دادند. این هم یک شکل مبارزه است که از نکته قانونی دارد استفاده میکند. من استفاده از قانون را به این معنی میفهمم و این شیوه است که منافع کارگران را تامین میکند. این خیلی فرق میکند تا اینکه اول قانون را باز کنیم و ببینیم قانون چه می‌گوید و بعد در آن چهارچوب کار کنیم. بخصوص مثالی که زدید، بازگشت به آن به اصطلاح قانون اسلامی کار که در باب اصلا بردگی به نظر من نوشته شده بود، این کاملاً یک حرکت ارتجاعی است و ربطی به منافع واقعی کارگران ندارد و باید در برابرش ایستاد و باید خنثایش کرد. به نظر من ما و جریانات شورای اسلامی و خانه کارگری داریم راجع به دو چیز کاملاً متفاوت و صد و هشتاد درجه مخالف هم صحبت میکنیم. بحث ما بر سر ارتقای قوانین با توسل به مبارزه کارگران است و بحث آنها بر سر محدود و تحریف کردن مبارزات کارگری با توسل به قانون. ما بدنبال تشبیت قانونی پیروزی و دستاورد مبارزات کارگران هستیم و آنها بدنبال به شکست کشاندن قانونی مبارزات کارگران. می‌بینید که این دو جهت گیری کاملاً رو در روی یکدیگر قرار میگیرند.

در اینجا من بر تشبیت دستاوردهای مبارزه و مطالبات و خواستهای کارگران به شکل قانون تاکید کردم، اما همه مساله این نیست. گام بعدی اینست که کاری کنیم که این قانونی که ما بدست آوردیم و حقوقی که قانونیت به آن دادیم عملی و اجرا بشود و گام بعدی مبارزه کردن برای فراتر رفتن از همین دستاوردهای قانونی و کسب حقوق قانونی باز هم بیشتر است. همانطور که بالاتر اشاره کردم مبارزه کارگران برای کسب حقوق خود در جامعه سرمایه داری هیچگاه به آخر

نمیرسد و هیچ قانون کاری نیست که همه حقوق کارگران را برسمیت شناخته باشد و نتوان حقوقی فراتر از آن را مطالبه کرد. تحقق حقوق کارگر بعنوان یک انسان آزاد تنها با لغو سرمایه داری ممکن است و بنابراین تا وقتی سرمایه داری هست مبارزه برای کسب حقوق بیشتر و ارتقا دادن قوانین برای برسمیت شناختن این حقوق هم جریان خواهد داشت.

خلاصه کلام اینکه قانون برای ما مقدس و غیر قابل عبور نیست. ما قانون را برای تثبیت دستاوردهای مبارزه مان در هر مرحله و فراتر رفتن از آن در مرحله بعد می‌خواهیم و نه برای مشروط و محدود کردن اعتراض و مبارزاتمان. در حالیکه نگاه به قانون آنطور که شما الان اشاره کردید که مثلاً شوراهای اسلامی به آن برخورد میکنند و یا خانه کارگرها، یعنی مبارزه را در دل قانون محدود کردن، درست عکس این جهتی است که ما داریم صحبت میکنیم. باید بدر برابر این گرایش ایستاد و آنرا افشا و منزوی کرد.

شهلا دانشفر: اما یک جنبه دیگری از قانون مجوز گرفتن است. مجوز گرفتن برای تشکیل، مجوز گرفتن برای تجمع، در این مورد شما چه می‌گویید؟

حمید تقوایی: ابتدا باید بگویم که ما معتقدیم قانون باید حق تجمع و تشکل و اعتصاب و اعتراض کارگران را بدون قید و شرط برسمیت بشناسد و بنابراین کارگران نباید برای تجمع و تشکل و اعتصاب و تظاهرات و غیره احتیاجی به مجوز داشته باشند. منتهی تا زمانی که این خواست متحقق نشده مساله کسب مجوز برای تجمع و یا تشکل به معنی قانونیت بخشیدن به آن تجمع و تشکل است که در صورتی که بدون هیچ قید و شرطی باشد به نفع مبارزه کارگران خواهد بود. در هر حال کسب مجوز کاملاً به نیروی کارگران و توازن قوا مربوط میشود.

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

حکم زندان به ۵ نفر از فعالین اول مه تعرض به کل کارگران است

شهلا دانشفر



جمهوری اسلامی روز ۱۸ آبان برای ۵ نفر از فعالین کارگری در سقز که تنها جرم آنها برپایی مراسم اول مه در سقز در سال ۸۳ است، حکم زندان صادر کرد و به این ترتیب محمود صالحی به ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید به شهر قروه و جلال حسینی به سه سال زندان و سه نفر دیگر برهان دیوارگر، محسن حکیمی و محمد عبدی پور هر یک به دو سال زندان محکوم شدند. این کارگران سال پیش در اول مه دستگیر شدند و بعد از کمپین اعتراضی ده روزه فشرده ای که در حمایت از آنان بر پا شد، کمپینی که یکسر آن در سقز و سندانج و در دیگر شهرهای ایران و یکسر دیگر آن در

اقصا نقاط جهان در آمریکا و استرالیا و آلمان و انگیس و غیره بود، و جمهوری اسلامی را آنچنان تحت فشار قرار داد که ناگزیر شد این کارگران را با قید وثیقه از زندان آزاد کند. و دیدیم که در روز آزادی آنها از زندان، مردم سقز چگونه به استقبال این کارگران رفتند، حلقه های گل نثارشان کرد و پیروزی خود را جشن گرفتند. روزی که برآستی روزهای اتحاد و همبستگی مردم در روزهای قیام، روزهایی که مردم

میرفتند و درهای زندان را میگشودند و عزیزان زندانی خود را به آغوش می گرفتند، را یادآور بود. پس از این پیروزی بزرگ جمهوری اسلامی برای مدتی عقب نشست. چندین بار دست به زور آزمایی زد و این فعالین را به دادگاه احضار کرد. اما هر بار با دیدن جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران، ناگزیر این دادگاههای فرمایشی را به تعویق انداخت. و امروز رژیم بعد از دو سال تصمیم گرفته است، با این پرونده باز که برآستی برایش به یک معضل جدی تبدیل شده است تکلیف خود را یکسر کند.

حکم زندان برای ۵ نفر از فعالین کارگری در شهر سقز، تهاجمی جدید به طبقه کارگر در ایران در شرایطی که جنبش اعتراضی کارگران در ایران هر روز گسترده تر میشود، کارگران هر روز با شعارهای رادیکالتری به میدان

میایند و به گفته خود رژیم تنها در سه ماهه آغاز سال جاری، ما شاهد بیش از ۲۰۰۰ حرکت و اعتراض کارگری بوده ایم، محکوم کردن فعالین کارگری در سقز به زندان، یک زور آزمایی جدید از سوی جمهوری اسلامی با جنبش کارگری است. حکومت می خواهد این جنبش گسترش یابنده را عقب براند. و طبقه کارگر در سطح ایران و جهان نخواهد گذاشت.

واقعیست اینست که اعتراضات کارگری امروز بیش از هر وقت یک بخش دائم اعتراض و مبارزه در جامعه است و این اعتراضات با روند رو به رشد خود هم اکنون به یک فاکتور سیاسی مهم در سیر تحولات جامعه تبدیل شده است. از جمله این کارگران بودند که در اول مه امسال و با خالی کردن استادبوم ورزشی ۱۲ هزار نفری آزادی و ممانعت از سخنرانی رفسنجانی، در واقع سوت

به هم زدن مضحکه انتخاباتی رژیم را به صدا درآوردند و این خود یک اتفاق سیاسی مهمی بود که کارگران را در موقعیت جدیدی در رودرویی با جمهوری اسلامی قرار داد. بویژه همه این در شرایطی روی میدهد که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد، در همه جا در میان کارگران و در دانشگاه، در میان معلمان و بخش های مختلف جامعه فضای اعتراض بالاست و ما شاهد این هستیم که در این اعتراضات هر روز شعارها رنگ چپ تر و رادیکالتری بخود میگیرد. ما شاهد پشت سر گذاشتن اول مه ها و هشت مارسها و مناسبتهای مختلفی هستیم که هر روز بیشتر رنگ سرخ و چپ به خود میگیرند. اعتراضات و مبارزاتی که در آن شعار آزادی برابری دارد به یکی از شعارهای اصلی مردم تبدیل میشود و در مبارزاتشان مردم خواهان لغو آپارتاید جنسی و حجاب اجباری

مبارزه علنی، مبارزه

از صفحه ۴

هم دارد مبینند، آن موقع همین فشار ممکن است رژیم را وادار کند که با تجمع و تظاهرات کارگران موافقت کند. آنوقت فعالین کارگری میتوانند از این استفاده کنند برای اینکه نیروی وسیعتری را بسیج کنند. طبعاً اعتراضات یا تظاهراتی که مجوز داشته باشد توده کارگر بیشتری به آن میبویند. خود این مجوز گرفتن یک دست آورد قانونی است. منتها مشروط بر اینکه هیچ محدودیتی را کارگران نپذیرند و خواستهای مستقل خود شان و مبارزات خودشان را به پیش ببرند. در شرایطی هم که فکر میکنیم که چنین چیزی در چشم انداز نیست، یا در شرایطی که مجوزی داده نمیشود، در هر حال باید مبارزه را سازمان داد و به پیش برد. به هیچ وجه نباید نبود مجوز و ندادن مجوز باعث شود که ما دست از سازماندهی و تدارک مبارزه مان بکشیم و فکر کنیم که خوب چون قانون اجازه نمیدهد بنابراین نباید کاری کرد. این همان فلسفه ایست که

هر جا که بتوانند کارگران باید برای تشکلهای گردهمایی هایشان مجوز بگیرند و به این ترتیب قانونیت و رسمیت آنها را به دولت و کارفرما تحمیل کنند. ولی معنی این توصیه این نیست که اگر مجوز داده نشد، باید از این فعالیتها دست شست. تشکل و تجمع و اعتراضات کارگری نباید مشروط به گرفتن مجوز باشد.

در اغلب موارد از پیش روشن است که مجوزی نمیدهند و تقاضای مجوز کردن فقط ممکن است ما را در دالانها و کریدورهای بحث و مذاکره بی انتها بیندازد و فقط وقت تلف کنیم. اما در مواردی که میشود این کار را کرد و احتمال گرفتن مجوز وجود دارد باید با اتکا به قدرت توده کارگران و فشار از پائین برای کسب مجوز اقدام کرد. مثلاً زمانی که ما مجمع عمومی را تشکیل داده ایم و کارخانه ای در جنب و جوش و هیجان دست زدن به یک اعتراض و اعتصاب و یا تجمع اعتراضی است و این را دارد کارفرما هم مبینند و اداره حراست

نیروهای شبیه شوراهای اسلامی و خانه کارگرها دارند. که کاملاً سازشکارانه و کاملاً ضد کارگری است.

شهلا دانشفر: در رابطه با تشکل های کارگری چه میگویند ما میگوییم ایجاد تشکل های کارگری امر خود کارگران است. در رابطه با ایجاد تشکل مساله مجوز چه جایگاهی دارد؟

حمید تقوایی: کارگران میتوانند در سطوح مختلفی متشکل شوند. خاصیتی که همه تشکل ها باید داشته باشد، اینست که از دولت مستقل باشند و از جانب مقامات دولتی و مدیران و کارفرماها و در یک کلام از بالا سازمان داده نشوند. بوسیله اداره کار و یا ارگانهای دولتی در کارخانجات سازمان داده نشوند و هیچ نوع رابطه سیاسی با رژیم نداشته باشند. تشکل کارگری تشکلی است که حول خواستها و مطالبات کارگران سازمان داده میشود و اینها را باید در عمل سازمان داد و به دولت و به کارفرمایان تحمیل کرد. در سطوح مختلفی ایجاد این تشکل ها ممکن است. از کمیته های اعتصاب گرفته یا هر نهاد و کمیته و تشکل دیگری

که ممکن است کارگران بوجود بیاورند. ولی محور و اساس این تشکل ها به نظر ما و سیاستی که حزب همیشه دنبال میکرده مجمع عمومی و شوراهاست. مجمع عمومی و شورا مناسب ترین ظرف مبارزه است. چون همانطور که در سوال قبلی اشاره کردم شورا حتی میتواند امنیت رهبران کارگری را حفظ کند و میتواند قدرت همه کارگران را در هر اعتراض و مبارزه ای به میدان بیاورد. پایه این شوراهای مجمع عمومی است. مجمع عمومی خوشبختانه یک سنت تقریباً جا افتاده و شناخته شده ای در جنبش کارگری است و هر وقت کارگران دست به اعتصاب و مبارزه ای میزنند در اکثر مواقع مجمع عمومی تشکیل میدهند، دور هم جمع میشوند و نمایندگانی از میان خودشان انتخاب میکنند و مبارزه را به این ترتیب پیگیری میکنند. این سنت را باید تشبیت کرد. این سنت باید منظم و همیشگی باشد و اگر این کار را بتوانیم بکنیم آنوقت

شوراهای واقعی کارگری را داریم. شوراهای در واقع چیزی جز مجمع عمومی های منظم و تشبیت شده در سطح کارخانه ها و واحدهای تولیدی نیست. به این ترتیب شورا و مجمع عمومی به نظرم در محور تشکل های توده ای کارگری است. در عین اینکه اشکال مختلف تشکل ها هم میتوانند بوجود بیاید. هر شکلی از این تشکلها در صورتیکه از دولت مستقل باشد، از ابزارها و ادارت دولتی در کارخانه ها و از تشکلهای دولتی در کارخانه ها مستقل باشد، آنوقت چنین تشکلی قدمی به پیش است. سیاست مستقل خود ما تشکیل مجمع عمومی و بر این مبنا شورا هاست و همیشه سعی کرده ایم این سیاست را به پیش ببریم و خیلی جا ها هم قدمهایی به جلو برده ایم و موفق شده ایم. ولی در عین حال هر نوع تشکل غیر دولتی و مستقل کارگری را ما گامی به جلو برای جنبش کارگری میدانیم و از آن حمایت میکنیم. پایان

**زنده باد شورا!
پیش بسوی تشکیل شوراهای!**

حکم زندان به ۵ نفر از فعالین اول مه ...

از صفحه ۵

میشوند و شعار نان آزادی برای همه و سوسیالیسم به پا خیز برای رفع تبعیض داده میشود. در چنین شرایطی خطر شعله ور شدن اعتراضات کارگران بعنوان يك بخش کلیدی جامعه يك نگرانی دائم رژیم است.

در تقابل با این وضعیت جمهوری اسلامی از یکطرف تلاش میکند که به بهانه بدحجابی زنان و با تحمیل قوانین اسلامی خود بر جامعه، حاکمیت سیاه و ننگین خود را حفظ کند. از سوی دیگر با فشار و تهدید فعالین و رهبران اعتراضی کارگری، مبارزات کارگرا را به عقب براند. بویژه يك فاکتور مهم در اعتراضات کارگران نقش رهبران و نمایندگان کارگری است، و مدتی است که جمهوری اسلامی تلاش میکند با احضار و تهدید فعالین و رهبران کارگری، و با ایجاد تفرقه در صفوف کارگران، مبارزات آنان را در هم شکنند و سیر پیشروی این اعتراضات را سد کنند. ما این را بویژه در اعتراضات اخیر کارگران نساجی و شاهر در کردستان شاهد

آن بودیم. در این اعتراضات بارها و بارها نمایندگان کارگران فرشید بهشتی زاد، خالد سواری، شیث امانی و نمایندگان دیگرشان مورد تهدید و آزار قرار گرفتند. اما کارگران با صف متحد خود توانستند این فشارها را خنثی کنند و نمایندگان و رهبران خود را مورد پشتیبانی و حمایت قرار دهند. و امروز در متن چنین شرایطی و برای تقابل با مبارزات کارگری است که بعد از دو سال کشاکش، حکم زندان علیه فعالین کارگری در سقز صادر میشود. حکم زندان برای فعالین کارگری در سقز، امروز دیگر صرفا به معنی دستگیر کردن چند کارگر و یا حتی چند نماینده اعتراضی کارگران در فلان حرکت و اعتراض معین نیست. بلکه اسم رمزی است برای تهاجم به کل کارگران و کل جامعه. حکم زندان برای فعالین سقز در واقع یعنی تجمع ممنوع! یعنی ممنوع! یعنی اینکه کارگر حق ندارد اول مه روز جهانی کارگر را جشن بگیرد و در يك کلام یعنی اگر کارگر

صدایش دربیاید، اگر حرکت و اعتراضی بکنند پاسخ زندان است. از همین رو این حکم و این اقدام تنها تهاجمی به کارگران نیست، بلکه تهاجمی به کل جامعه است و گامی است در جهت عقب راندن مبارزات امروز کارگران در ایران.

حکم زندان برای فعالین کارگری در سقز باید لغو شود

مبارزه برای لغو حکم فعالین کارگری در سقز امروز يك عرصه مهم اعتراض در ایران است. پیشبرد قوی این مبارزه اهمیت سیاسی فوری دارد. این مبارزه ایست که نه تنها کارگران بلکه همه بخش های جامعه باید در آن دخیل شوند و با نامهای اعتراضی خود و با تجمع کردن در برابر دادگاهی که چنین احکامی را صادر کرده است، باید رژیم را به عقب نشینی وادار کرد. در ارتباط با این احکام حزب کمونیست کارگری ایران کمپینی اعتراضی بر پا کرده و از تمام سازمانها و نهادهای کارگری و آزادیخواه خواسته که به این کمپین اعتراضی بپیوندند و این اقدام ضد کارگری و ضد پایه ای ترین حقوق انسانی را

محکوم کنند. این اعتراضی است که از جانب برخی نیروهای سیاسی دیگر نیز جریان دارد. باید این کمپین اعتراضی را با قدرت به پیش برد و خواست لغو فوری احکام صادره برای فعالین کارگری در سقز و ممنوعیت هر گونه آزار و تهدید فعالین کارگری، باید به خواست همه کارگران در ایران تبدیل شود. باید همه جا کارگران در مجامع عمومی خود بر سر این موضوع به بحث بنشینند و با ارسال پیامهای حمایتی خود از این کارگران رژیم را وادار به عقب نشینی کنند. باید با اعتراض فشرده خود کاری کنیم که نه فقط احکام زندان فعالین کارگری در سقز پس گرفته شود، بلکه حق تشکل، حق اعتصاب، حق برپایی تجمعات و اعتراضات و برگزاری جشن اول مه حقوق به رسمیت شناخته مسلم کارگران عملا تثبیت شود. باید با اعتراضات خود کاری کنیم که با فشارهای ما در سطح بین المللی، نمایندگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی، این ابزارهای سرکوب و مزدورن جمهوری اسلامی در کارخانجات، از سازمان جهانی کار آی ال او اخراج گردند. باید کمپینی قدرتمند و فشرده را به پیش بریم.

باید بدانیم که اگر جمهوری اسلامی در این تعرض خود به شکست کشانده نشود، اگر اتهاماتی که به فعالین اول مه سقز وارد شده پس گرفته نشود، تعرض بیشتری به فعالین و رهبران کارگری و به کل جنبش کارگری شروع خواهد شد و این مقدمه تهاجمی دیگر خواهد بود. باید با تمام قوا جمهوری اسلامی را عقب برانیم.

انتظار اینست که بخشهای هرچه بیشتری از کارگران در ایران به این کمپین بپیوندند. همانطور که جمعی از کارگران ایران خودرو و انجمن صنفی کارگران مکانیک و فلز کار در کرمانشاه و جمع هایی دیگر از کارگران در تهران این تعرض را محکوم کردند و خواهان لغو فوری این احکام شدند، شما نیز این اقدام جمهوری اسلامی را محکوم کنید. نامه های اعتراضی خود را برای ما بفرستید تا آنها را در سطح بین المللی منعکس کنیم و از رادیو انترناسیونال و تلویزیون بخوانیم و بخش های مختلف جامعه را در جریان اعتراضات شما قرار دهیم و صف محکمی از اتحاد و همبستگی در برابر این تهاجم جمهوری اسلامی بوجود آوریم.

کارگران و حزب ...

از صفحه ۱

دفاع از حقوق انسانی در برابر ناسیونالیسم و قوم گرایی و شونینیسیم، مقابله قاطعانه با مذهب و خرافات مذهبی و بویژه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و دفاع قاطعانه از ارزشها و دستاوردهای انسانی، مبارزه برای برابری زن و مرد و مقابله با تبعیضات علیه زنان، برپاداشتن پرچم دفاع از حقوق همه جانبه کودکان، و بالاخره و مهمتر از همه ایستادگی علیه سرمایه داری در تمام شکل و شمایل آن و دفاع از عملی شدن فوری سوسیالیسم و حکومت شورایی و... الی آخر

وقتی به این عرصه ها و جدالها نگاهی بیفکنیم روشن است که اغلب جریانات بنا به مصالح خود بر سر

موضوعی مبارزه کرده اند و بر سر موضوع دیگری مماشات و سازش نموده اند جایی در این جبهه ایستاده اند و در جای دیگری جبهه مقابل را تقویت نموده اند اما يك جریان را میتوان مشاهده کرد که در تمام جدالهای اجتماعی بدون هیچ ابهام و تردیدی جانب کارگران و طبقه کارگر را گرفته است و آن حزب کمونیست کارگری است بویژه کسی که صحنه سیاسی ایران را بشناسد در این هیچ تردیدی نخواهد کرد سیالیت سیاسی بی سابقه ای که در جریانات سیاسی اپوزیسیون ایران طی دو دهه گذشته مشاهده میشود يك داستان کمدی تراژیک تمام عیار است که شاید باور کردنی نباشد این تاریخ را باید بارها

مرور کرد آموزنده است هر کارگر آگاهی باید از خود پرسد در مقابله با جمهوری اسلامی و جناحهایش، در مقابله با سرمایه داری هار پیرو کار ارزان و کارگر خاموش، در مقابله با خرافه و جهل و قوانین و سنتهای اسلامی، در مقابل قوم گرایی و ناسیونالیسم و فدرالیسم جریانات مختلف، در مقابله با تهاجم نژادپرستانه به حقوق پناهندگان، به فرودستی کامل کشاندن زنان، پایمال کردن حقوق کودکان، جنگ طلبی و تروریسم، کشاندن جامعه به ورطه سنگسار و اعدام و شهادت طلبی، عقب گرد به دوره خرافه و پایمال کردن علم و پیشرفت و مدرنیسم، و تمام آنچه در جامعه ایران جاری است طبقه من کجا و توسط چه کسانی نمایندگی شده است چه کسی آرمان طبقه کارگر یعنی سوسیالیسم و کمونیسم را بطور

مشخص و فوری و هرروزه به پیش رانده است؟ در پاسخ به این سؤالیهای حیاتی است که مدام يك جریان و يك حزب جایگاه مهم و ارزشمند و طبقاتی خویش را نمایان میسازد. واقعیت اینست که طبقه کارگرا تمام خواستها و مواضع آرمانهایش در روز به روز وقایع این دوده توسط جنبش کمونیسم کارگری و این حزب در صحنه سیاسی نمایندگی شده است، حرف خود را زده است و بر روند امور نقش غیر قابل انکاری برجای گذاشته است

برای کارگری که در شرایط امروز ایران زندگی میکند و اسیر بردگی تمام عیار مزدی است اگر امید به انقلاب کارگری و برپایی دنیایی بهتر را حذف کنید چیزی جز تیرگی و تباهی و یاس باقی نمیماند بورژوازی حاکم در ایران کل جوهر سودجویی و استثمارگری و

ارتجاع طبقاتی خویش را بصورت جهنمی واقعی بطور زنده پیش چشم مردم گرفته است کارگر قربانی اصلی است بیرحمانه تا حد مرگ استثمار میشود. ماه و سال دستمزد واقعا بخور و نمیرش را هم نمیدهند و اعتراضش را با گلوله پاسخ میگویند دلان کار تکه تکه اش کرده اند محیط های کار در خیلی موارد به اردوگاههای کار اجباری شبیه است در وصف این جهنم بورژوازی هرچه بگویید کم گفته آید

برای همه کارگران حزب کمونیست حیاتی است برای کارگران ایران اما شناختن این حزب متشکل شدن در آن تقویت آن از نان شب حیاتی تر است توده هرچه وسیعتری از کارگران را باید با این حزب و اهداف و عملکردها و تاریخش آشنا کرد این نه فقط نیاز کارگران بلکه نیاز کل جامعه ایران است

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

جمهوری اسلامی فعالین اول مه در ایران را به زندان و تبعید

مجکوم کرده است

سطح بین المللی باعث شد آنها با قرار وثیقه آزاد شوند.

محکوم کردن این فعالین تعرض به ابتدایی ترین حقوق کارگری است و تردیدی نیست که اگر جمهوری اسلامی در این تعرض خود به شکست کشانده نشود و اتهامات علیه فعالین اول مه سقز کاملاً کنار زده نشود، تعرض بیشتری به فعالین کارگری و کل جنبش کارگری را شروع خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران همه سازمانها و اتحادیه های کارگری را فرامیخواند که جمهوری اسلامی را به خاطر پایمال کردن حقوق ابتدایی کارگران در ایران محکوم کنند و لغو فوری و تمام و کمال محکومیت

به سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

جمهوری اسلامی ایران روز ۱۸ آبان ۸۴ تعدادی از فعالین کارگری را به ۳ تا ۵ سال زندان محکوم کرد. جرم آنها شرکت در مراسم اول مه سال ۲۰۰۴ در شهر سقز است. محمود صالحی از فعالین شناخته شده کارگری به ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید و جلال حسینی به ۳ سال زندان محکوم شده اند. سه نفر از فعالین دیگر کارگری نیز قرار است به زودی محاکمه شوند.

حکومت اسلامی در سال ۲۰۰۴ هفت نفر از این فعالین کارگری را در حین مراسم اول مه دستگیر و زندانی کرد. اعتراضات کارگران در ایران و در



فعالین کارگری شوند. برگزاری اول مه، و اعتصاب و اعتراض حق پایه ای و بی چون و چرای کارگران است و باید به رسمیت شناخته شود. حزب همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به حمایت از این حقوق پایه ای فرامیخواند.

خلیل کیوان
دبیر تشکیلات خارج
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ نوامبر ۲۰۰۵



گزارشی از کمپین جهانی در اعتراض به جمهوری اسلامی و برای لغو محکومیت فعالین اول ماه مه سقز

حسن صالحی

بندبال صدور احکام زندان و تبعید از سوی دادگاههای اسلامی حکومت علیه فعالین اول ماه مه سقز (سال ۲۰۰۴) کمپینی در دفاع از این کارگران و برای لغو احکام محکومیت آنها در ایران و در سطح جهان شروع شد که همچنان ادامه دارد. یکی از سازماندهندگان این کمپین حزب کمونیست کارگری ایران است. خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب در نامه ای به همه سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان از آنها خواست که جمهوری اسلامی را به خاطر پایمال کردن حقوق ابتدایی کارگران در ایران محکوم کنند و خواهان لغو فوری و بی قید و شرط محکومیت فعالین اول مه در سقز شوند. وی همچنین در نامه خود تاکید کرد که برگزاری اول مه،

اعتصاب و اعتراض حق پایه ای و بی چون و چرای کارگران است و باید به رسمیت شناخته شود. او همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به حمایت از این حقوق پایه ای فرخواند.

پس از آنکه در تاریخ ۱۸ آبانماه ۱۳۸۴ (۹ نوامبر ۲۰۰۵) اولین احکام مجازات علیه محمود صالحی و جلال حسینی صادر شد (محمود صالحی به ۵ سال سال زندان و سه سال تبعید به شهر قروه و همچنین جلال حسینی به سه سال زندان محکوم شدند) کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU) که ۱۴۵ میلیون کارگر عضو دارد با ارسال نامه شدیدالحنی به احمد نژادی انزجار خود از صدور این احکام را ابراز داشت و خواهان لغو فوری آنها شد. در این نامه به جمهوری اسلامی

حکم ابلاغ شده به فعالین کارگری در شهر

سقز باید فوری لغو شود



بر اساس حکم صادره که در تاریخ ۱۹-۸-۸۴ از سوی دادگاه انقلاب در شهر سقز که به وکلای دستگیر شدگان اول مه سقز ابلاغ شده است، محمود صالحی به ۵ سال زندان و سه سال تبعید در شهرستان قروه، جلال حسینی، به سه سال زندان و محسن حکیمی، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر هر کدام به دو سال زندان محکوم شده اند.

این حکم ضد کارگری باید فوراً لغو شود. این حکم علیه همه کارگران ایران است. جرم این فعالین برگزاری مراسم اول مه در سال ۸۳ است. محکومیت فعالین کارگری به دلیل برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، نقض آشکار حقوق کارگران است.

ما این احکام را شدیداً محکوم میکنیم و خواهان لغو فوری آن هستیم.

ما از همه کارگران و فعالین

کارگری میخواهیم که خواهان لغو فوری این احکام و تبرئه بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان مراسم اول مه سقز شوند.

ما همه اتحادیه ها و سازمانهای مدافع حقوق انسانی در سراسر جهان را فرامیخوانیم که ضمن محکوم کردن این احکام خواهان لغو فوری آن شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
محمد آسنگران

۲۳ آبان ۱۳۸۴ - ۱۴ نوامبر ۲۰۰۵

فعالین محکوم شده شتاب جدیدی بخود گرفت. بندبال تلاشهای فعالین و واحدهای حزب کمونیست کارگری ایران و برخی سازمانهای سیاسی دیگر تا کنون شمار قابل توجهی از اتحادیه های کارگری در نروژ، آلمان، استرالیا، کانادا، فنلاند، سوئد، اسپانیا و ایتالیا به این کمپین پاسخ مثبت داده اند و از کارگران ایران به حمایت برخاسته اند.

در نروژ اتحادیه سراسری کارگران نروژ، ال او، با ۸۳۰ هزار عضو در نامه ای به تاریخ ۱۶ نوامبر که برای احمدی نژاد ارسال کرد نسبت به صدور احکام زندان برای فعالین کارگری شدیداً اعتراض کرد و این را نشانه ای از پایمال کردن حقوق پایه ای کارگران ایران از سوی جمهوری اسلامی دانست.

در آلمان روز ۲۱ نوامبر اتحادیه فلزکاران آلمان با حدود ۲ میلیون و پانصد هزار عضو با نوشتن يك نامه به احمدی نژاد محاکمه و محکومیت فعالین اول ماه مه سقز را مورد اعتراض شدید قرار داد.

به احمدی نژاد نوشت و اعلام داشت: " این احکام نشان می دهد که دولت شما حقوق پایه ای کارگران همچون حق آزادی تشکل را به کلی نادیده می گیرد. ICFTU مایل است بار دیگر تکرار کند که کمیته آزادی تشکل (CFA) در سازمان جهانی کار، ای ال او، به دولت شما تذکر داده است که اتهامات نسبت داده شده به هفت رهبر کارگری در مورد مراسم اول ماه مه سقز در سال ۲۰۰۴ را لغو کند. ما مصرانه از شما میخواهیم که تمام اقدامات لازم را برای تضمین لغو فوری احکام صادره علیه محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبدی پور و نیز لغو اتهامات صادره علیه برهان دیوارگر در مورد دستگیری ایشان در ۷ اوت ۲۰۰۵ انجام دهید."

با واکنش اعتراضی کنفدراسیون اتحادیه های آزاد که در گزارش سالانه خود نیز جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یکی از خطرناکترین کشورهای دنیا برای فعالین کارگری اعلام کرده بود، کمپین حمایت از



گوشزد می شود که " دولت شما به دلیل عضویت ایران در سازمان جهانی کار ILO موظف است که حق آزادی تشکل و بنابراین حق آزادی سازماندهی را رعایت کند. بر مبنای این اصول، کارگران حق دارند که در مراسم مسالمت آمیز اول ماه مه شرکت کنند و با سازمانهای کارگری در جهان مانند ICFTU همکاری کنند. همزمان با این، آی سی اف تی یو با ارسال نامه ای به دبیر کل سازمان جهانی کار از وی خواست که با دولت ایران تماس بگیرد و در جهت لغو احکام صادر شده دخالت کند. روز ۱۴ نوامبر پس از تعیین احکام مجازات برای محسن حکیمی، برهان دیوارگر و محمد عبدی پور (هر کدام ۲ سال زندان) این کنفدراسیون نامه دیگری

کمپین جهانی در اعتراض به جمهوری اسلامی ...

از صفحه ۷

همین اتحادیه به تاریخ ۱۷ نوامبر رفتار خشونت آمیز جمهوری اسلامی علیه کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج را محکوم کرد. در آلمان همچنین شاخه کارگری حزب چپ آلمان به تاریخ ۲۱ نوامبر در یک نامه اعتراضی به احمدی نژاد حمایت خود را از فعالین کارگری محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر اعلام داشت و خواهان لغو فوری احکام زندان و تبعید آنها شد.

در فنلاند تعدادی از اتحادیه های کارگری این کشور جمهوری اسلامی را به دلیل نقض حقوق پایه ای کارگران ایران و صدور احکام مجازات علیه فعالین اول ماه سقز شنیدند محکوم کردند. اسامی این اتحادیه ها بدین قرار است: اتحادیه سراسری کارگران فنلاند، اتحادیه کارگران ساختمانی، اتحادیه پتروشیمی، اتحادیه متال و اتحادیه کارگران شهرداریها و خدمات دولتی، اتحادیه کارگران مواد غذایی و بالاخره اتحاد چپ فنلاند.

در استرالیا نیز تا کنون چندین اتحادیه در ارتباط به احکام صادر شده علیه فعالین اول ماه مه سقز از خود واکنش نشان داده اند. اتحادیه بنادر و کشتیرانی، اتحادیه کارگران موتناژ و اتحادیه صنعت اتوبوس و تراموا. نامه دبیر اتحادیه بنادر و کشتیرانی استرالیا به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور یکی از شدید اللحن ترین نامه هایی است که تا کنون از سوی اتحادیه های کارگری نوشته شده است. در این نامه آمده است:

" ما، به ویژه، خواستار موارد زیر هستیم:

۱. لغو فوری احکام زندان و تبعید فعالین کارگری در استان کردستان ایران.

۲. ختم فوری نقض حقوق کارگران در ایران. پذیرش بی درنگ

کلیه حقوق کارگری که در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده؛ حق اعتصاب، سازمانیابی و ایجاد تشکل برای کارگران ایران. ۳. ختم فوری پیگرد، دستگیری، بازجویی و موارد دیگر نقض حقوق در ایران از شما میخواهیم که برای خاتمه بخشیدن به این نقض حقوق و شرارتی که رژیم ننگین شما به طور متداول انجام می دهد بلافاصله اقدام کنید."

در نامه اتحادیه "صنعت اتوبوس و تراموا" در استرالیا نه فقط به محاکمه و مجازات فعالین اول ماه مه سقز اعتراض شده است بلکه به سرکوب کارگران نساجی در کردستان، کارگران فرش البرز در بابلسر و همینطور کارگران اتوبوسرانی اشاره گردیده و آنها نیز محکوم شده اند. در این نامه که خطاب به سفیر جمهوری اسلامی نوشته شده است از جمله آمده: در حالی که روز اول ماه مه از طرف همه جهانیان بعنوان روز مبارزه و اعتراض شناخته شده است، دستگیری و یا محاکمه کردن کارگرانی که در این مراسم شرکت کرده اند گواه آشکاری از پایداری شدن حقوق انسان از طریق مجاری قانونی است. این تنها می تواند موجب انزجار همه انسانهایی شود که عدالت و ارزش های انسانی را ارج می گذارند."

در کانادا روز ۱۵ نوامبر کنگره کار کانادا با بیش از ۳ میلیون عضو خواستار رفع اتهامات از فعالین اول ماه مه سقز شد. در بخشی از نامه این سازمان کارگری خطاب به احمدی نژاد آمده است: "به دلیل عضویت ایران در سازمان جهانی کار (ILO) دولت شما موظف است که حق آزادی تجمع و بنا براین حق آزادی تشکل را رعایت کند. این حق کارگران است که بدون مزاحمت نیروهای دولتی و یا امنیتی، در جشن روز جهانی کارگر شرکت

کنند." کارگران اتومبیل سازی کانادا لوکال ۱۹۹ نیز طی یک نامه به احمدی نژاد خواهان لغو بی قید و شرط همه احکام صادر شده علیه کارگران و فعالین اول ماه مه سقز شد.

در سوئد سازمان سراسری کارگران سوئد (LO) با نزدیک به ۲ میلیون عضو قویا نسبت به احکام صادر شده علیه فعالین اول ماه مه سقز اعتراض کرد. در این نامه که روز ۲۲ نوامبر و خطاب به احمدی نژاد نوشته شده و رونوشت آن به وزارت امور خارجه سوئد نیز ارسال گردیده خواسته شده است که از فعالین نامبرده فوراً رفع اتهام شود و جمهوری اسلامی به حقوق پایه ای کارگران ایران احترام بگذارد. از سوی دیگر روزنامه جنوب سوئد گزارشی از جریان صادر شدن احکام زندان و تبعید بر علیه فعالین اول ماه مه سقز توسط جمهوری اسلامی و همچنین کمپین جهانی برای لغو این احکام انتشار داده است. در این گزارش از جمله می خوانیم:

"خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران از همه اتحادیه های کارگری، سازمانهای مدافع حقوق بشر و احزاب سیاسی خواسته است که حملات جمهوری اسلامی به حقوق پایه ای کارگران ایران را محکوم کنند. احمدی نژاد رئیس جمهور ایران تاکنون از سوی اتحادیه سراسری کارگران (روز LO) و همچنین شاخه کارگری حزب چپ آلمان (PDS) نامه های اعتراضی دریافت کرده است. فشارهای خارجی پیش از این بر روی رژیم ایران موثر واقع شده است. محمود صالحی که اکنون به ۵ سال زندان محکوم گردیده در سال ۲۰۰۰ بدنبال یک کمپین وسیع جهانی که سازمان سراسری کارگران سوئد نیز آن را همراهی می کرد، توانست از زندان آزاد گردد."

همچنین سندیکالیست ها در شهر وستروس سوئد یک بیانیه همبستگی با کارگران ایران صادر کردند و خواستار لغو احکام غیر

عادلانه بیدادگاههای جمهوری اسلامی علیه فعالین اول ماه مه سقز شدند.

در اسپانیا و ایتالیا شماری از اتحادیه ها و فعالین کارگری با امضای یک نامه اعتراضی نارضایتی شدید خود را نسبت به صدور احکام محکومیت فعالین اول ماه مه سقز ابراز داشتند و خواستار لغو فوری این احکام شدند.

کمپین علیه سرکوب کارگران و فعالین کارگری نه فقط در عرصه بین المللی بلکه در داخل کشور نیز در جریان بوده است. چهار نفر از محکومین اول ماه مه سقز، محمود صالحی، محمد عبدی پور، جلال حسینی و محسن حکیمی با صدور بیانیه ای پیشنهاد کردند که کمیته ای بنام "کمیته دفاع از حقوق دستگیر شدگان اول ماه مه سقز" برای سازماندهی اعتراض به احکام ناعادلانه و غیر قابل توجیه زندان و تبعید تشکیل شود. همچنین همسران این فعالین، عایشه جهانپور، نجیبه صالح زاده، لطیفه قیطاسی و منیژه گازرانی طی بیانیه ای خواستار پیوستن کارگران و مردم شریف و آزاده به این کمیته شدند. "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران" نیز با صدور یک اطلاعیه اعلام داشت که: "ما این اقدامات را در راستای تحمیل بی حقوقی هر چه بیشتر بر طبقه کارگر میدانیم و از همه کارگران و فعالین کارگری میخواهیم تا یکصدا و متحدانه خواهان لغو فوری این احکام و تیرته بی قید و شرط همه دستگیر شده گان مراسم اول ماه مه در شهر سقز شوند." جمعی از کارگران ایران خودرو نیز با صدور اطلا عیه

ای به نشانه همبستگی احکام صادره علیه فعالین کارگری را شدیداً محکوم کرده و خواهان لغو فوری آنها شدند. از سوی دیگر انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ضمن تاکید بر احقاق کلیه حقوق از دست رفته طبقه کارگر ایران، بازداشت و اذیت و آزار فعالین کارگری بویژه صدور احکام حبس و تبعید برای فعالین اول ماه مه سقز به شدت محکوم کرد و خواستار لغو فوری این احکام شد. "انجمن کارگری جمال چراغ ویسی"، اعضای "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری" و تعداد دیگری از فعالان جنبش کارگری در کارخانه های ایران خودرو، پارس خودرو، پروژه ال ۹۰ در پارس خودرو، سازه گستر سایپا، سایپا و مالیل سایپا نیز با صدور اطلاعیه خواست های مشابهی را مطرح کردند و جلوه های دیگری از همبستگی کارگری را به نمایش گذاشتند. تا کنون کارگران زیادی از نقاط مختلف ایران بصورت جمعی و گروهی به ابراز همبستگی با فعالین اول ماه مه سقز پرداخته و صدور احکام بر علیه آنها را محکوم کرده اند. همچنین در اعتراضات اخیر دانشجویی در آستانه ۱۶ آذر چنین خواستی مطرح گردید.

کمپین برای لغو احکام فعالین اول ماه مه سقز اکنون هر چه بیشتر با استقبال گرم و پرشور سازمانهای کارگری جهان روبروست. این کمپین جهانی ادامه دارد و تداوم پیر قدرت آن یک موفقیت بزرگ برای کارگران ایران و همبستگی بین المللی کارگری در سطح جهان است.

کارگر کمونیست

را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و

آشنایانتان برسانید!

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران!

عسلویه یک اردوگاه کار اجباری

با ۵۲۰۰۰ کارگر

گزارشی از ناصر بهروزی کارگری از عسلویه

عسلویه در واقع يك اردوگاه کار اجباری است در منطقه عسلویه حدوداً ۵۲۰۰۰ کارگر به کار مشغولند. در این منطقه چند پتروشیمی و فازهای مختلفی است برای بهره برداری از حوزه های گازی در جنوب و صدور آن به خارج که زیر نظر شرکت فرانسوی "توتال" قرار دارد. در اینجا شایع است که ۳۰ فاز قرار است کار کند که تا کنون ۸ فاز آن به کار افتاده است. شرکت فرانسوی "توتال" کل پروژه را به چند شرکت خارجی دیگر از جمله شرکت "هیوندا" و "آل جی" که کره ای است واگذار کرده است و این شرکت ها نیز از طریق پیمانکاران ایرانی پروژه ها را به پیش میبرند. به این معنی که در هر فازی یک شرکت بزرگ است و شرکت های کوچکی زیر مجموعه آن هستند و در هر شرکت ۴ تا ۵ پیمانکار طرف حساب کارگران هستند. شرایط کار سخت و برآستی برده وار است فشار کار بالاست. در هر کارگاهی مثلاً شرکت "تی آی دی" که فاز ۶ و ۷ و ۸ است نزدیک به ۱۲ هزار کارگر مشغول به کار هستند. این شرکت ها تماماً وابسته به نفت هستند. استخدام در این منطقه معنایی ندارد. اگر در جاهای دیگر قراردادهای موقت و یا حتی قراردادهای سفید میبندند. در عسلویه هیچ قراردادی وجود ندارد. کارگر را بکار میگیرند، دستمزدش را برای ماهها نگه میدارند و نمیدانند و هر وقت هم بخواهند او را اخراج میکنند. کارگران از شهرهای مختلف برای کار به این منطقه سرازیر شده اند و ۹۰ درصد کارگران غیر بومی هستند. نحوه استخدام در این منطقه اساساً سفارشی است. یعنی بیشتر از طریق روابط و سفارش صورت میگیرد. برخی از کارگران قبلاً توسط پیمانکاران که به آنها میگویند نیرورسان استخدام میشوند. بدین

ترتیب کارگر همینطور شفاهی به کار گرفته میشود و شروع به کار میکند. حقوق کارگر را سوپر وایزر میگیرد. مثلاً ۲۰ هزار بابت کار کارگر سوپر وایزر دریافت میکند و ده هزار تومان آنرا به کارگر میدهد و باقی به جیب خودش میبرد. هنگام اخراج هم کارگر با این سوپروایزر طرف است. اکثر اوقات سوپروایزر دستمزد کارگر را عقب می اندازد و وقتی هم کارگر به اداره کار مراجعه میکند کلی او را سرمیدانند. این سوپروایزر ها زیرمیزی به کارکنان اداره کار رشوه میدهند و هر گاه خبر برسد که کارگر برای حقوقش به اداره کار مراجعه کرده فوراً او را از کار اخراج میکنند.

اینجا برآستی یک اردوگاه یا بازداشتگاه کار است. برای اشتغال به کار در این منطقه اخیراً گفته شده است که نیاز به معرفی نامه از اداره کار هست. اداره کار هم بیشتر کارگران بومی را معرفی میکند. بنابراین کارگرانی که از شهرهای دیگر راهی آنجا شده اند در مقابل اداره کار جمع میشوند و آنجا دلالتی هستند که ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار میگیرند و به کارگران معرفی نامه میدهند تا نزد پیمانکاری به کار مشغول شوند. این خود نیز به مافیایی تبدیل شده است و خلاصه کارگر هفت خوان رستم را طی میکند تا تازه به این اردوگاه کار راه یابد.

سطح دستمزد کارگران در اینجا بسیار پایین ، فشار کار بالا و ساعت کار طولانی است. سطح دستمزد از نظر اداره کار ۱۲۵ هزار تومان د رماه است. ولی بطور مثال کارگران اینجا در بخش خدماتی تا ۱۸۰ هزار تومان دستمزد میگیرند. اما باید ۱۲ ساعت کار کنند. کارگران دیگر که جوشکار، قالب بند و یا آرما تویند هستند تا ۳۰۰ هزار تومان مزد میگیرند. ساعت کار با احتساب

یکساعت وقت غذا ۱۲ ساعت در روز است و کارگران عمدتاً در سنین جوان هستند. کارگران در این منطقه تماماً در استخدام موقت هستند. کارگر دو تا سه ماه به کار گرفته میشود و بعد اخراج میشود تا بیمه هم به او تعلق نگیرد.

چون فازهای مختلف کاری در این منطقه، تحت نظر شرکت های خارجی قرار دارند، ایمنی محیط کار در آنجا ظاهراً از کارگاههای دیگر بهتر است. اما نه از دستگاه تهویه خبری است و نه بازرسی کار وجود دارد. تنها کفش و کلاه ایمنی به کارگر میدهند و بس.

امکانات زندگی کارگر بسیار پایین است و اساساً نمیشود کلمه امکانات را بکار برد. محیط کار تماماً تحقیر کننده است. کیفیت غذا بسیار پایین است. قابل تصور نیست. ۱۰۰ قدم بالاتر از غذا خوری کارگران ، سلف سرویس کارمندان قرار دارد، با کیفیتی بسیار اروپایی و لوکس. اما غذاخوری کارگران آنقدر غیر بهداشتی است و کیفیت غذا آنقدر پایین است که بارها مورد شکایت و اعتراض کارگران قرار گرفته است. برای مثال دو هفته پیش ۶۰۰ کارگر در شرکت تی آی جی دی در اعتراض به کیفیت پایین غذا اعتراض کردند. غذا را برگشت دادند و تهدید کردند که اگر دوباره چنین غذایی به آنها داده شود، مجبور میشوند شیشه ها را بشکنند و سلف سرویس را به آتش بکشند. قبل از عید نیز کارگران به خاطر وضع بد غذا سلف و سرویس را به هم زدند و اعتراض کردند.

مسکن کارگران مثل سلولهای زندان است در منطقه عسلویه هر شرکتی، برای کارگرانی که از شهرهای دیگر آمده اند، یک خوابگاه دایر کرده است. محیط این خوابگاه بسیار تحقیر کننده است. در هر اتاق سه در چهار متر هفت تا هشت نفر زندگی میکنند. موکت های آن فرسوده و پر از ساس و شپش است. تخت خواب به اندازه کافی نیست و کارگر بعد از ساعتها کار مکانی برای آسایش و استراحت ندارد. آب آنچنان آلوده است که بسیاری از کارگران دچار بیماریهای پوستی شده

اند. آب زرد رنگ و شوری است که انسان را از دوش گرفتن منصرف میکند.

مهمترین مشکل کارگران در این منطقه، عدم امنیت شغلی است. با کوچکترین اعتراضی کارگر را اخراج میکنند. کارگر داریم که ۱۳ ماه است حقوقی نگرفته است و جرات نمیکند اعتراضی کند. چون فوراً از کار اخراج میشود و پیمانکاران دیگر نیز به او کاری نمیدهند. کارگران میگویند اینجا آخر خط است. دومین مشکل همانطور که اشاره کردم، امکانات بسیار پایین زیستی است. در زمستان کارگران زیادی برای کار راهی این منطقه میشوند و در انتظار کار کنار خیابان شبها را بسر میبرند.

یکی از مشکلات کارگران اعتیاد است. کارگر خود را تنها میبیند، رفاه ندارد، استراحت ندارد، تحقیر میشود، دور از خانواده است، حقوقش را دیر میدهند و مشکلات سرش ریخته است و برای گریز از همه این بدبختی ها به اعتیاد پناه میبرد. این جا کشتار گاه کارگران است. جوانان به ایدز و مواد مخدر مبتلا میشوند. اعتیاد بیداد میکند. علناً سر خیابانها، داخل کمپ ها ، مواد اعتیاد میفروشند. وارد هر اطاقی میشوی میبینی که هر کارگری

میشود ای نشسته و مشغول مصرف مواد است. یکبار از یکی پرسیدم چرا مواد مصرف میکنی و او در پاسخ به من میگفت با این همه مشکلاتی که دارم تنها این مواد است که من را آرام میکنند. این مواد آدم را بی خیال میکنند. این تنها دوست ماست. مواد مخدر خیلی علنی و مقابل چشم نیروی انتظامی و حراست پخش میشود. خیلی وقت ها مامورین حراست که به بهانه ای وارد اطاقها میشوند و میبینند بچه ها نشسته اند و مشغول مصرف مواد هستند، هیچ تذکری نمیدهند. در واقع دولت خود توزیع کننده این مواد است و اینها از این منطقه و اعتراض در آن وحشت دارند و خواست آنها کار ارزان کارگر خاموش است. علیرغم همه اینها اعتراض در این منطقه زیاد است و بیشتر شکل عصیان بخود میگیرد. از یکطرف میبینی که کارگر چون امنیت شغلی ندارد. در خطر اخراج است و پناهی نداد، با این وضعیت کنار آمده است. از سوی دیگر فشار کار بالاست که مرتباً شاهد اعتراض و مبارزه هستیم.

عسلویه عملاً به یک مرکز انفجاری اعتراضی کارگری تبدیل شده است. حدود ۴ روز پیش ۲۷ آبان بود که ۳۰۰ کارگر شرکت پتروباد در شرکت سی آی جی دی



سایت کارگران www.kagaran.org

Tel: 0044 777 98 98 968

Fax: 0044 870 135 1338

markazi@ukonline.co.uk

دفتر
مرکزی
حزب

“کارگران نفت باید خجالت بکشند!”

در حاشیه اظهارات کوروش مدرسی درباره کارگران



ناصر اصغری

کوروش مدرسی اخیراً (۲۸ اکتبر ۲۰۰۵) در مصاحبه ای اظهارنظراتی درباره مبارزه کارگری کرده است که پرداختن به چند نکته از آن بی مورد نیست. مسائلی از قبیل چگونه کارگران وارد مبارزه میشوند، سندیکالیسم چیست، کارگران عافیت طلب شده‌اند! و غیره. قبل از جای دیگری نیز گفته بودم که ایشان يك تز اصلی دارند؛ “جامعه راست شده و از چپ خبری نیست!” در همین يك مصاحبه هم دم تز اصلی حزبشان پیدا است. هر جا از تشکل کارگری صحبت میکنند، از سندیکا و اتحادیه حرف میزنند؛ و برای اینکه بگویند که از شورا هم گفته، میگویند “شورا هم اگر بشود درست کرد باید درست کرد.” یعنی هیچی! کارگر باید برود سندیکا درست کند! اتحادیه درست کند! انجمن صنفی درست کند! و شورا هم که نمیشود! اگر بتواند درست کند، برود درست کند! کوروش مدرسی از نقش عنصر فعاله در جنبشها زیاد حرف میزند اما آنجا که نوبت به

تشکل رادیکال کارگری و مبارزه کارگری میرسد، به لکت می افتد و اما و اگرها را ردیف میکند. حرفهای “جالبی” در باره کارگر و مبارزه کارگری میزند که بنظر من باید جلوی رهبر کارگری بگذاریم تا از مواضع ایشان هم مطلع باشند. آنچه بیش از هر چیز در این مصاحبه بیرون میزند بی ربطی ایشان و حزیب به کارگر و مبارزه کارگری است.

مکانیسم وارد کردن

کارگران به مبارزه

آقای مدرسی ظاهراً تصمیم گرفته است رهبر بودن خود را نشان دهد و ثابت کند که نحوه برخوردش با دیگر رهبران فرق میکند. می خواهد بقول خودش صریح باشد. بی پرده حرف بزند و وقتی بی پرده حرف میزند تنها يك مشت توپ و تشر و “خجالت بکشید” و چرا

جمهوری اسلامی را سرنگون نمیکند و امثال اینها بیرون میریزد و معلوم میشود که از کارگر و جنبش کارگری و موانع و پیشرویها و مکانیسمش چیزی نمیداند. میگوید میخواهید من بگویم کارگران چه باید بکنند؟ باید بروند فوری جمهوری اسلامی را سرنگون کنند!! ظاهراً کارگران باید به ایشان بگویند خیلی ممنون! ما متوجه مساله نبودیم! اما مشکل ایشان فقط این نیست که از کارگر و مکانیسم مبارزه کارگران و حتی شرایط کارگران پرت است، بلکه مساله اینست که ایشان برای به بازی گرفته شدن توسط جریانات راست اپوزیسیون و پیاده کردن سناریوی کذایی شان که قبل اعلام کرده اند یعنی تشکیل “مجلس موسسان و دولت ائتلافی” به شلوغی کارگران نیاز دارد. سناریوی ایشان اینست: کارگر شلوغ میکند ایشان برای مذاکره برای تشکیل مجلس موسسان به سراغ جریانات مختلف اپوزیسیون میرود و قول میدهد که سوسیالیسم را پیاده نکنند! و“اعتصابات کارگری را بخواهاند! و” (رجوع کنید به نظرات کوروش مدرسی در بحثهای داخلی حزب کمونیست کارگری که روی سایت حزب هست و همچنین نگاه کنید به منشور سرنگونی حزب ایشان که يك کلمه در مورد قیام و انقلاب در آن

نیست) کوروش مدرسی مرتباً به کارگرانی که به خیابان نمیایند و دست به مبارزه نمیزنند و یا علیه فدرالیسم و حزب دمکرات کردستان ایران شعار نمیدهند، میگوید که “باید خجالت بکشند.” وی بخصوص چند بار کارگران نفت را خطاب قرار میدهد و بهشان میگوید که خجالت بکشید چون که مثلاً کارگران فلان رشته تولیدی وضعیتشان بد است! و به کارگران دیگر میگوید که بروید یقه کارگران نفت و برق و آب و اتوبوسرانی و ایران خودرو را بگیرید و بهشان بگویند خجالت بکشید، جامعه را دارد باد میبرد و شما کلاه خودتان را چسبیده اید. به کارگران اعتصابی فلان کارخانه که جلوی مجلس و یا فلان وزارتخانه تجمع کرده اند میگوید که آنجا را ول کنید بروید جلوی پالایشگاهها تجمع کنید و به کارگران آنجا بگویند که چرا کاری نمیکند! وی مرتباً به اعتراض کارگر در جمهوری اسلامی ایران حمله میکند و از آنها می خواهد که به مبارزه سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی روی بیاورند، چرا که خطر فدرالیسم و بمب هستهای بسیار خطرناکتر از هر خطر دیگری است. و از رهبران کارگری هم می خواهد که با ایشان تماس بگیرند!

بله! خطر بمب هستهای و اسلام

سیاسی واقعی است، اما این به بحث کوروش مدرسی بیربط است، و این بیربطی آنجا روش میشود که او مبارزه کارگر شاهر را در مقابل کارگر نفت قرار میدهد. پائین تر بدلیل واقعی این اظهارات که جلب توجه کارگر شاهر و نساجی کردستان است اشاره میکنم، اما همین هم يك تلاش عبث است. هیچ کارگری که آشنائی مختصری با سابقه بحثهای آقای مدرسی داشته باشد به صرف حرفهای امروز وی در مورد سرنگونی رژیم و آینده ای که برای جامعه تصویر میکند توجهش جلب نمیشود. چرا باید به حرف ایشان گوش داد و مثلاً با سازمان فدائیان اکثریت تماس نگرفت؟ یا مثلاً به حرفهای سرداران گوش نداد؟ اصلاً چرا نباید بین کوروش مدرسی و داریوش همایون به حرفهای آقای مدرسی توجه کرد؟ مگر ایشان قرار است برای کارگر کار ویژه ای بکنند؟ ایشان قبلاً در بحثهای داخلی که اکنون روی سایتها اینترنتی حزب کمونیست کارگری هم موجود هستند، گفته بود که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی بخش سوسیالیستی برنامه “يك دنیای بهتر” را اجرا خواهد کرد و با کسانی چون حجازیان دولت تشکیل خواهد داد و از کارگران هم خواهد خواست که با این دولت راه بیایند و سرنگونش نکنند. ایشان

عسویه يك اردوگاه کار اجباری ...

از صفحه ۹

اعتراضی بکنند دیگر شانس پیدا کردن کار در بخش های دیگر هم ندارد. بنابراین آنچه که اتحاد کارگران را در این منطقه تقویت میکند، بالا رفتن آگاهی کارگران است و باید در این زمینه کار کرد. يك نمونه جالب طومار اعتراضی با خواست ۴۵۰ هزار تومان بود. یکی از کارگران که این طومار را به آنجا آورده بود با استقبال زیادی روبرو شد. همه کارگران دست او را میبوسیدند و از چنین حرکتی خوشحال بودند. این حرکت برایشان تازگی داشت. یکی از کارگران می گفت شما که هستید؟ ما می خواهیم عضو شما بشویم، چند

فاز ۶ و ۷ و ۸ در این منطقه در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد خود و نیز وضع بد غذا و مشکلات خوابگاه دست از کار کشیدند و این اعتراض دو روز و نیم بطول انجامید و سرانجام توانستند دستمزد یکماه خود را بگیرند و سرکارشان بازگردند. ساعت کار در این منطقه آنچنان طولانیست، که کارگران امکان جمع شدن ندارند. ولی همواره در هنگام خوردن غذا و در خوابگاهها مشکلاتشان را طرح میکنند و اگر اعتراضی نیز صورت میگیرد در جریان همین صحبت هاست. مشکل اینجاست، وقتی کارگر

نفر میخواستند عضو بشوند و میگفتند این چه تشکلی است. کارگری که سن بالایی داشت اشک در چشمانش جمع شد و میگفت در ماه ۱۷۰ هزار تومان حقوق میگیرم. ۴ تا ۵ ماه حقوق به من نمیدهند. ۴۰ هزار تومان کرایه منزل میدهم. ۱۳۰ هزار تومان با هشت سرعایله زندگی کنم و شکم خانواده را سیر کنم. این طومار را به هر کس که میدادی با کمال میل امضا میکردند. این حرکت يك افقی از فعالیت و متحد کردن مبارزه کارگران بدست میداد. بویژه الان جنب و جوش برای تشکیلیابی در میان بخش پیشرو این کارگران بالاست. اما در حال عدم ایمنی شغلی و فشار کار يك مانع جدی

برای سرعت دادن به این حرکت است. مثلاً کارگری در شرکت پتروپاد در قسمت خدماتی، تعریف میکرد وقتی میخواست امضا جمع کند در مورد کارش و ساعات کار طولانی و سطح پایین حقوقشان طومار جمع کنند با چه استقبالی روبرو شد. او میگفت به آنها روزی ۶ هزار تومان و ماهی ۱۸۰ هزار تومان میدهند. خیلی از کارگران این طومار را امضا میکردند و میگفتند اگر دولت ما را بگیرد ما جلوبشان می ایستیم و مرگ برای ما مهم نیست. اینها هفت نفر بودند که اسامی اصلی خودشان را پای این طومار اعتراضی گذاشتند و میگفتند هیچ مشکلی ندارند که اسامی آنها با نام و نشان در زیر طومار باشد. این کارگران میگفتند

کارگران نفت باید ...

استدلال میکرد که اگر بخواهیم سوسیالیسم را فوراً اجرا کنیم مردمی که پشت سر ما جمع شده‌اند پراکنده میشوند و یا اگر مثلاً نان را مجانی کنیم شاطرها اعتصاب خواهند کرد و مردم از سوسیالیسم رم میکنند.

اما مکانیسم مبارزه کارگری آنجیزی نیست که کورش مدرسی جا و بیجا با لحن مخصوص خود بر زبان می‌آورد. این در بهترین حالت نوعی چریکی‌گری است که فکر میکند کارگران چون قرص سیانور زیر زبان‌شان نیست، باید خجالت بکشند! ادبیات شناخته شده خلقی‌گری. کورش مدرسی میگوید که کارگران صنایع کلیدی نفت و ایران خودرو و غیره چون وضعیتشان خوب است! و از مطالبات کارگران شاهر حمایت نمیکنند، کلاهشان را چسبیده‌اند! و یا بقول خودش "فرصت طلب و عافیت طلب" شده‌اند. جدا از بی خبری و بی اطلاعی از مکانیسم های مبارزه کارگران [۱] ایشان گویا اصلاً خبر ندارد که در ایران چه خبر است. وضع معیشتی کارگران را با آوندها عوضی گرفته است. حتی از فقری که گریبان کارگر را هم گرفته است، اگر خبر هم داشته باشد، برایش محسوس نیست. آقای مدرسی می‌پرسد: "دانشجو از سر مسئله سیاسی جمع میشود، آیا طبقه کارگر از سر مسائل سیاسی نمیتواند جمع بشود؟! عقل ندارد؟! در واقع ایشان از مکانیسم مبارزه کارگری هیچی نمیدانند. من پائینتر نقل قولی از منصور حکمت درباره همین "بی‌عقلی" کارگر خواهم آورد.

اما همین کورش مدرسی و دوستانش که دوره‌های انسان وقتی از کارگر و تشکل و مبارزه کارگری حرف میزد حتماً باید دور و برش را میپایید که به ایشان برنخورد، امروزه همانند خیلی‌ها کارگرنه‌ها، نوع خودش شده است. و همه کارگرنه‌ها هم، از جمله کورش مدرسی، وقتی که از کارگر حرف میزنند و یا خطاب به آنها حرف

از صفحه ۱۰

میزنند، با زبان صغیر و آدم زبان نفهم حرف میزنند. کورش مدرسی هم درست دارد همین کار را با کارگر میکند. میگوید کارگران جمع شوند و جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. اما همانجا ترمزش را میکشد. میگوید: "متشکل بشویم جمهوری اسلامی را بیاندازیم و از آزادی مان و مطالباتمان دفاع بکنیم." کارگر باید جمهوری اسلامی را بیاندازد تا دولت را در دست بگیرد و مطالباتش را به اجرا بگذارد! آنچه را که آقای مدرسی میگوید از سر بیدقتی نیست؛ به آن خوب فکر کرده است. دهها سمینار برایش گذاشته است. هدف ایشان از انداختن جمهوری اسلامی دولت مؤتلفه‌ای است که کورش مدرسی هم در آن شریک است و معلوم نیست این دولت چه موقع جای خودش را با چه مکانیسمی به دولت سوسیالیستی کارگران میدهد؟! کلاه سر کارگر نپوشد. باید این را صریحاً به او بگوید.

برگردیم بر سر مکانیسم مبارزه کارگری. مارکس "دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴" را با این پاراگراف آغاز میکند: "مبارزه آشتی‌ناپذیر میان سرمایه‌دار و کارگر مزد را تعیین میکند. در این مبارزه پیروزی ناگزیر از آن سرمایه‌دار است. (منظور مارکس پیروزی در مبارزه بر سر دستمزد است.) سرمایه‌دار بدون کارگر بیشتر میتواند زندگی کند تا کارگر بدون سرمایه‌دار. اتحاد میان سرمایه‌داران امری است متداول و کارآمد، حال آنکه اتحاد میان کارگران ممنوع است و عواقب دردناکی برای آنان دارد." و بعد در صفحات بعد آن به گرو گرفته شدن زندگی کارگر و خانواده‌اش در دست معدودی سرمایه‌دار به خاطر در اختیار داشتن وسایل معیشت جامعه میپردازد. منصور حکمت هم درست با همین متد از مبارزه کارگری صحبت میکنند. وی در یکی از سخنرانی‌هایش در کنگره ۳ حزب کمونیست کارگری تحت عنوان

"مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر" که انگار رو به همین بحث مشخص آقای مدرسی سخنرانی میکند، میگوید: "در ایران امروز مبارزه طبقه کارگر، بنا به ماهیت شرایط، سیاسی است. بطور کلی مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در جامعه کاپیتالیستی تقابل سیاسی در جامعه را نشان میدهد. ولی اینجا بمعنی اخص کلمه این مبارزه به سرنوشت این حکومت مربوط میشود. اگر با یک جنبش اعتصابی سراسری روبرو بشوند، میافتند، مساله بهمین سادگی است، حتی اگر طرف فقط دستمزدش را خواهد، و لازم نیست الزاماً بگوید "آزادی اندیشه با ریش و پشم نیشه"، یا چیز دیگری، تا سیاسی شده باشد. همینکه بگوید من دستمزد را میخواهم و سر کار نمیروم، کفایت که جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه سقوط نزدیک شود. در نتیجه ما نباید زیاد نگران این باشیم که چرا مثلاً کارگران در مبارزه علیه سلطنت شعار آزادی و کلاهی زندانی را ندادند. ما از نظر استراتژی حرکت جنبشمان نباید نگران این باشیم. میشود گفت که اگر میگفتند نشان دهنده رشد آگاهی سیاسی و توجه کارگر به صحنه سیاسی است، در این شکی نیست. ولی من و شمائی که نشسته‌ایم روند اوضاع را بررسی میکنیم، اعتصاب صنعت نفت اگر سر اضافه کاری باشد، سر حقوق و سر دستمزد باشد و صنعت نفت را بخواباند، از نظر استراتژی حرکت جنبش علیه جمهوری اسلامی عملاً یک تاثیر را دارد. اینکه اصرار کنیم که کارگران حتماً شعارهای سیاسی بدهند و در رابطه با خاتمی اظهار نظر کنند، این نظر من در رابطه با جنبش کارگری یک درجه‌ای تحمیل ذهنیت یک فعال سیاسی به یک جنبش واقعی است. ... در نتیجه بنظر من تلاش بیش از حد برای سیاسی کردن طبقه کارگر، یعنی تلاش نمایشی برای سیاسی کردن طبقه کارگر، نباید کرد. کارگر وقتی خودش به این مرحله برسد که قدرت را در دسترس ببیند و فکر کند

میشود رفت، همه این بحثهای اقتصادی‌اش را کنار میگذارد و میگوید حکومت بدست ما، یا همه حکومت به شوراها، یا زنده باد حزب کمونیست کارگری یا جنبش کمونیستی کارگری. ولی الان که داریم نگاه میکنیم به دانشجویها، تحکیم وحدت در خرم آباد جلسه دارد، مثل این است که صنعت نفت هم اعتصاب خودش را بکند." در جای دیگری از همین بحث منصور حکمت میگوید "فقر و ناامنی کارگر را محافظه‌کار میکند. کارگران در زمان شاه میتوانستند اعتصاب بکنند برای اینکه نسبتاً وضع اقتصادی و رفاهیشان خوب بود. یعنی اینکه میتوانست بگوید من میتوانم دو ماه این جیب و آن جیب بکنم و یک کاری بکنم که اعتصابم را ادامه بدهم. اما الان انتظار یک اعتصاب سه هفته‌ای از کارگری که حقوق همین امروزش را هم ندارد اشتباه است و این بشدت کارگران را محافظه‌کار میکند. در نتیجه وظیفه جنبش کمونیستی اینست که نسبت به این پدیده استراتژی روشنی داشته باشد. چطور جنبش کارگری فعلی میتواند از این موقعیت در بیاید و برود به یک جایی که معترض است، اعتصابی است، و دخالت میکند؟ کلید این مساله بنظر من یکی‌اش جنبش مجمع عمومی است."

اما از همه اینها گذشته، با لحن کورش مدرسی که انگار جناب سروان دارد با گماشته‌اش صحبت میکند، هیچ کارگری سراغ هیچ حزبی نخواهد آمد. کورش مدرسی متوجه نیست که نیروی کار کارگر کالا است و در میان کالاها هم نوع ویژه‌ای است. تنها کالای کارگر است و کارگر بنا بر موقعیتش قادر نیست کالایش را همانند سرمایه‌دار نه انباشت کند و نه پس‌انداز. برعکس کالاها‌ی دیگر، کالای کارگر (نیروی کار) زندگی اوست؛ و اگر زندگی هر روز با غذا مبادله نگردد، با مشکل مواجه خواهد شد و از بین خواهد رفت. کارگر چاره دیگری ندارد جز اینکه با هر قیمتی که

بتواند این کالا را با آذوقه بچه‌اش مبادله کند حقوق کارگر را دروسال و سه سال نپرداخته‌اند اما هنوز هم از ترس اینکه همین کارش را هم از دست بدهد، هر روز سر کار حاضر میشود!

سندیکالیسم از منظر کورش مدرسی

آقای مدرسی اما درباره تحزب کمونیسی، سندیکا و سندیکالیسم هم اظهار نظر میکنند. میگوید: "سندیکا جایی است که کارگر می‌رود در آنجا از مطالباتش دفاع میکند." این تزی است که امروز آقای مدرسی به آن متمایل شده است. در ادبیات کمونیسم کارگری ما گفته‌ایم که سندیکا بدیل یک جنبش خاصی به نام جنبش سندیکالیستی است. اما آقای مدرسی سندیکالیسم را جنبش غیرسیاسی طبقه کارگر معرفی میکند! جنبش مبارزه بر سر مطالبات اقتصادی طبقه کارگر! به این جمله توجه کنید: "مشکل طبقه کارگر راستش از یک طرف سندیکالیسم است. یعنی اینکه دخالت نکردن در سیاست. ببینید دخالت نکردن در سیاست سندیکالیسم است! سندیکا جایی است، سنگری است که آدم می‌رود در آن از زندگی‌اش دفاع میکند." این بزرگترین خدمت به سندیکالیسم است. سندیکالیستها گوش فلک را کر میکنند که بگویند ما با سیاست کاری نداریم و دنبال مطالبات اقتصادی کارگران هستیم. خیلی دلشان میخواهد که کسانی پیدا شوند و به جامعه بگویند که اینها سیاسی نیستند تا اینها نیز به کمونیستها بگویند که ایدئولوژیک و غیره هستند. خود کارگران این ادعا را از ایشان نمی‌خرند. همین چندی پیش بود که سندیکالیستها با دادن یک پلتفرمی از آقای معین در آخرین دوره ریاست جمهوری اسلامی دفاع کردند. یعنی دفاع از ارتجاعی‌ترین سیاست ممکن در

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جنبش کارگری و خیل منتقدین

یاشار سهندی

آرامش خیال نداریم. هر حرفی و حرکتی با اخراج جواب میگیرد این یعنی گرسنگی مطلق؛ ما کارگران را به قراردادی و پیمانی و روز مزد تقسیم کرده اند. در یک کارگاه به سه نحو حقوق پرداخت می کنند به اولی زودتر میدهند به دومی ماه میگذرد نمی دهند به سومی اصلا نمی دهند خیلی ارفاق کنند مساعده میدهند گویی به گدا صدقه میدهند. دسته اول میگوید شرایط دسته دوم به ما ربط ندارد و دومی مشکلات سومی به خود بی ارتباط میداند و سومی از حال دو دسته اول بی خبر است. همه اما صبح که سرکار میرویم مطمئن نیستیم که فردا کار دارند. چرا که ممکن است همان روز به هزار یک بهانه شامل «تعدیل نیرو» بشویم.

اما با همه اینها هم طبقه ایهمایمان در هر جا که توانسته اند دست به اعتراض و اعتصاب زده اند بخصوص در یکی دو سال اخیر، اعتراضات و اعتصابات از عدم پرداخت حقوق بوده تا تعیین حداقل دستمزد، از درخواست آزادی

این روزها انتقاد از ما کارگران خیلی رایج شده هرکس میخواهد "ظرفیت رهبری" خود را نشان دهد، یقه ما کارگران را میگیرد و انتقادی از ما میکند و خیال خود را راحت میکند ما کارگران بدبختی مان یکی و دوتا نیست نمایانیم باید به کی جوابگو باشیم. وقتی که کاری انجام میدهم به حساب نمی آید یا «تویخانه بدون باروت» به حساب می آید، و وقتی هم اقدامی از سوی ما صورت نمی گیرد هزار جور حرف را باید بشنویم: "تشکل پذیر نیستند"، "تا کار به استخوانشان نرسد کاری نمی کنند" . . .

ظاهرا اعتراف میکنند که شرایط ما را میفهمند و به حال ما دل میسوزانند. اما به واقع درک نمی کنند که ما با چه دولت هاری سرو کار داریم. دولتی که روز به روز عرصه را به ما کارگران تنگ میکند و به هزار و یک ترفند، قانون و پلیس، به فقر و فلاکت مان کشانده است. برای یک ساعت هم شده

کارگران نفت باید ...

ایران! کوروش مدرسی میگوید سندیکالیسم کارگران را از تحزب برحذر میدارد. نخیر سندیکالیسم تحزب خودش را دارد احزاب سوسیال دموکرات! اینجا کوروش مدرسی یک بار دیگر پرت بودنش را از جنبش کارگری نشان میدهد این آنارکوسندیکالیسم است که تحزب را تحقیر میکند. ایشان دارد بنابه منفعتهای سیاسی یک چنین آوانسهای به این جنبش ارتجاعی میدهد. سندیکالیسم هیچوقت نگفته که کارگران تحزب نیابند. میگوید که از تحزب کمونیستی بپرهیزند!

به چند نمونه از اظهارات دیگر آقای مدرسی توجه کنید: "رهبران کارگران نمیگذارند که کارگران جمع بشوند و تشکل درست کنند." "در بین چپها و کارگران مراد از جنبش کارگری مبارزه اقتصادی کارگر

اعتصاب بوده تا آزادی رهبران دستگیر شده. بستن جاده ها، راهپیمایی، جلو مجلس اجتماع کردن، تشکیک صندوق مالی اعتصاب، هو کردن رفسنجانی، شرکت خانواده های کارگران در حمایت از همسرانشان، حمایت کارگران دیگر کشورها، اعلام حمایت کارگران کارگاههای مختلف از مبارزات همدیگر، انتشار بولتن های مختلف، همه و همه جلوه های گوناگونی از این اعتراضات و مبارزات بوده. این طبقه در اوج فشار فزاینده دولت سرمایه داری هر راهی به ذهنش میرسد انجام میدهد تا صفوف خود را یکدست و متحد سازد، خودش را به عنوان یک طبقه مطرح کند تا بدین وسیله بتواند خود و جامعه را از شر بدبختی و نکبت رها سازند.

اما اینهمه کوشش در این شرایط برده وار چه جواب میگیرد؟ از سوی دولت گلوله و زندان، تعقیب و بازداشت و از سوی مثلا فعالین چپ «نگران» جنبش کارگری سرزنش و سرکوفت که این اقدامات را از «سراستیاصل» میدانند که ره به جایی نخواهد برد. ما کارگران هم از در میخوریم و هم از دیوار.

از صفحه ۱۱

است!"، "فعال کارگری تحزب کمونیستی را نشان شما نمیدهد، فقط مبارزه اقتصادی را نشان شما میدهد." "وقتی از جنبش کارگری در جامعه حرف زده میشود، منظور جنبش اقتصادی کارگر است!" اینها تصور هیچ فعال کارگری از مبارزه کارگری نیست. آرزوهای کوروش مدرسی از مبارزه کارگری است. فعال کمونیست کارگری دارد جامعه را به یک طرف میبرد. دارد کارگر را به دلایلی سازمان میدهد. حتی اگر نتواند در ایران به کارگر بگوید بروید عضو فلان حزب بشوید، اما دارد مرتب میگوید که کارگر متفرق و بدون تحزب جای دوری نمیرود. اینها را در بحثهای فعالین کارگری کمونیست شاهدیم. فعال کارگری سندیکالیست هم دلایل خودش را دارد. به کارگر میگوید که بروید عضو حزب معین بشوید! به کارگر

تشکل کارگری و تحقیر مبارزات کارگری

تکلیف دولت معلوم است. اگر غیر از این بکنند جای تعجب است. دولت سرمایه داری قرار نبوده و نیست که جانب کارگر را بگیرد. به هر وسیله ای متوسل میشود که سود سرمایه یک ریال هم کم نشود. از ارگانهای جهانی اش بگیر تا فلان بسیجی در فلان محله و کارخانه دست به دست هم داده اند که کارگر خاموش بماند و ارزان کار کند.

اما تکلیف این دوستان چپ ما چیست که مثلاً واقعیات را میبینند؛ ظاهرا آنچه ما در آینه میبینیم ایشان در خشت خام میبینند و دقیقاً مصیبت همین

جاست که ایشان همه چیز را در خشت خام میبینند نه در آینه صاف! «انبوه جنگل» را میبینند اما مبهوت هیبت آن میشوند، فقط و فقط شکست را میبینند که آن را هم حاصل ندانم کاریهای ما میدانند نه اینکه حریف به هر وسیله ای دست میزند که تا جنبش ما را شکست دهد. و این دوستان اگر دستی بر آتش داشتند راه عملی گذار از موانع را پیش روی ما میگذاشتند نه نفی ساده و راحت همه دستاوردهای ما. این واقعیتی است که جنبش کارگری از خیلی مسایل رنج میبرد و مهمترین آن، نداشتن تشکل به مفهوم تشکل جا افتاده و با اهداف تعریف شده و روشن است. اما چون تشکل نداریم و متحد نیستیم همه صفحه ۱۳

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن:

Satellite:
Telstar 12
Center Frequency:
12608 MHz
Symbol Rate: 19279 FEC: 2/3
Polarization: horizontal

شاهو و نساجی کردستان حرف بزند بدون اینکه به کارگران دیگر "خجالت بکشید" بگوید. آیا واقعا کارگر رادیکال و مبارز شاهو که امروز بیش از هر زمان اهمیت اتحاد طبقاتی کارگران و معضلات پیش روی مبارزه خود و دیگر هم طبقه‌ایهایش را دیده است از مقابل قرار دادن کارگران استقبال میکند یا همان عبارتی را که کوروش مدرسی به کارگران نفت میگوید تحویلش میدهند؟ اینها نه تنها کارگر و مبارزه کارگری را نمیفهمند، بلکه حتی کردستان امروز را با کردستان قبل از انقلاب عوضی گرفته اند. فعال کارگری در کردستان را نمیشود با تمجید از وی و زدن توی سر کارگر در نقاط دیگر جذب کرد، این فعالین کارگری دوستانشان را میشناسند.

۱۹ نوامبر ۲۰۰۵

بود که شاید اینها در خارج از کردستان هم دوستی، سمپاتی و یا آشنائی داشته باشند؛ اما تحولات این دوره حداقل برای خود من ثابت کرد که حیطه فعالیت اینها فراتر از حیطه فعالیت سیاسی احزاب سیاسی کردستانی نیست. اما در همین چهارچوب و حیطه هم کارگر تحویلشان نمیگیرد. در مبارزات کارگران نساجیها در سندیج سرشان بی کلاه ماند. در همین مصاحبه‌شان کلی حرف نامربوط به طرف کارگران نفت، برق، ایران خودرو، اتوبوسرانی و غیره پرتاب میکند که به خیال خودش دل کارگران نساجی شاهو را به دست بیاورد! میدانند که کارگر ایران خودرو، نفت و غیره را ندارد پس به شیوه تفرقه افکنانه به سراغ کارگری میروند که دارد برای مبارزه کارگران ایران الگو میشود. معلوم نیست چرا ایشان نمیتواند بطور اثباتی از رادیکالیسم و سنتهای جدید و اجتماعی مبارزه کارگران

میگوید که خانه کارگر تشکل کارگری است! کارگر آنارکوسندیکالیست هم دلایل خودش را دارد. مشخصا دارد به کارگران میگوید که عضو احزاب کمونیست نشوید و بعدش هم مضرات سرمایه داری دولتی دوره شوروی را به حساب کمونیسم میگذارد و جامعه آنارشویستی را برای توده کارگر توضیح میدهد. اینها را هم در بحثهای همین اواخر فعالین کارگری طیفهای مختلف شاهد بوده‌ایم. فعال کارگری که افقی جلوی کارگر نمیگذارد، از طرف کارگران زیاد جدی گرفته نمیشود. مکانیسم مبارزه فعال کارگری را منصور حکمت دهها نوشته و سمینار دربارهاش داشته است.

اهداف کوروش مدرسی

از این بحث

تا همین چندی پیش تصورم این

جنش کارگری و خیل منتقدین ...

از صفحه ۱۲

و شانه هم میکشند.

وجود گرایشات گوناگون در جنبش کارگری هیچ جای تعجب ندارد. این جنبش مثل هر جنبش دیگر اجتماعی گرایشات گوناگونی دارد که ممکن است بر سر مسایل مختلف متحد شوند و یا نشوند. و قرار هم نیست که مثلا برای مسئله همگانی طبقه کارگر، یعنی دستمزد متحد شوند. يك عده میخواهند در درون قانون کار جمهوری اسلامی موادی پیدا کنند که دستمزد را تعریفی غیر از تعریف دولت بدهد و دیگرانی هستند که میگویند خود طبقه کارگر بر اساس يك زندگی شایسته انسان باید دستمزد را تعریف کند. البته باز اگر همه بر سر تعیین دستمزد به توافقی میرسیدند بی شک مبارزه طبقه کارگر پر ثمر میشد. اما نیست. و بر سر این مباحثه میشود جدل پیش می آید. یا بر سر نوع تشکل کارگری؛ برخی سندیکا را مطلوب میدانند برخی شورا و این دو دسته نظرات هم را نقد میکنند تا ثابت کنند که نظر ایشان درست است این خاصیت يك جنبش زنده است.

ظواهر این دوستان چپ نگران جنبش کارگری این را هم قبول دارند، و میگویند همه گرایشات قابل احترامند و باید يك جوری متحد شوند. تا آنجایی که ما میفهمیم در اولین قدم برای اتحاد به رسمیت شناختن همدیگر است. خود اما، در کمال بی انصافی در این جا

تشکیل شده است. دیگر در نظر گرفته نمیشود همین يك سندیکا به چه مصیبتی شکل گرفته. اقدام برای تعیین حداقل دستمزد را کمپین بی حاصل خواندن، اعتصابات کارگری را بی ثمر دانستن، اقدامات دیگر کارگران را به حساب نیاوردن و بعدا کردن که کارگران ایران تشکل ندارند و این اقدامات دفاعی بی فایده است، هیچ معنی ندارد جز اینکه خود مایوس و ناامید و تسلیم طلب شده اند و در آخر هم آن را به گردن ما کارگران میاندازند.

کاملا مسلم است اگر تشکیلات منسجمی بود این مبارزات خیلی سریعتر و بهتر به ثمر می نشست و بیشتر از اینها دستاورد داشت. اما تشکیلات از دل آسمان به پایین نمی افتد از دل همین مبارزات بیرون میزند. و صد البته بدون هیچ بحث و گفتگو بسته به فعالیت کارگران سوسیالیست است. اما چون این نیست و یا کم است آیا باید همین مبارزات تانکونی را تخطئه و تحقیر کرد؟

گرایشات جنبش

کارگری و عوام فریبی

یکی دیگر از نگرانی های این دوستان "چپ" این است که چرا گرایشات جنبش کارگری متحد نمیشوند که بماند، بر علیه هم شاخ

این کوششهای تانکونی را تحقیر کردن خیلی جای سوال دارد. در واقع ناشی از بی ربط بودن و بی خبر بودن از مسائل و واقعیات زندگی و مبارزه کارگران است. مدام تکرار میشود که چون طبقه کارگر تشکل مستقل ندارد به هیچ جا نمی رسد. به هیچ جا نمیرسد چون تشکل ندارد؟! اما یکی نیست به این دل نگرانیهای جنبش کارگری بگوید: بی انصافها! وقتی مبارزه بر سر پرداخت حقوق عقب مانده را اقدامی بی فایده میدانید و یا درخواست پرداخت به موقع حقوق را قدمی به جلو نمیدانید، وقتی در زیر فشار این دولت وحشی و جانیتکار اعتصابات کارگری را که کارگران با هزار مصیبت و بدبختی و خطر به راه میاندازند، میفرمایید: چه فایده که «توپخانه بدون باروت» است. و یا کارگران در این دوره مبارزاتی به چه دستاوردهایی رسیدند را به آن نمی پردازید، به طور مشخص مبارزات یکساله کارگران نساجی و شاهو در کردستان، دیگر صحبت کردن از جانب شما که کارگران تشکل ندارند مشتمن کننده است. از نظر این "رهبران" اقدام کارگران شرکت واحد تهران در تشکیل سندیکا قابل تحسین است و بررسی، اما در کمال بی انصافی گفته میشود که در طول این مدت «فقط يك سندیکا»

کتمان کردن چه معنی دارد جز عوام فریبی؟ این جنبش «باید پوست بیندازد»، قبول، اما چه جوری؟ وقتی که عملا و عمدا یکی از گرایشات عمده کارگری را ندیده گرفته و نفی میکنید؟

بدبختی ما کارگران یکی و دو تا نیست؛ ما نشان دادیم که در این بیست هفت سال ساکت ننشستیم و تا آنجا که توانستیم به مبارزه با یکی از هارترین و وحشی ترین دولتهای سرمایه داری پرداختیم. خیلی مواقع به عقلمان رانده اند اما هر وقت توانستیم اعتراض کردیم و اگر کسی واقعیت ها را ببیند متوجه میشود که ما علیرغم همه کمبودها جلو آمده ایم. اگر کم جلو آمده ایم نقش رهبران اینست که تلاش کارگر را ببینند و راه کنار زدن موانع برای پیشروی بیشتر را نشان دهند. ما در این یکی دو ساله آخر سعی کردیم که تعرضاتمان را سازمان دهیم. و تجربه های زیادی کسب کردیم که نمود آن در مبارزات کارگران نساجی کردستان و شاهو تجلی یافت. باید از این دستاوردها دفاع کرد و سنگرهای جدیدی را فتح کرد. و مهمترین سنگر تشکل شورا های کارگری است. جایی که همه گرایشات کارگری میتوانند حضور خود را حس کنند و بیان کنند. و متحدانه بر سر مسائل جنبش کارگری مبارزه خود را سازمان دهند. * * *

هم باز يك گرایش عمده در میان کارگران ایران را منکر میشوند و تا آنجا که امکان داشته باشد راجع به آن حرف نمیزنند شاید به چشم نیابید. این گرایش کمونیسم کارگری است، که گویی اصلا وجود خارجی ندارد! و از نظر ایشان اگر هم است بی اثر است و فعالیت های ارزنده آن را کمپین های بی حاصل میدانند و یا در مورد آن چیزی نمی گویند شاید انشاالله کار شیطان باشد و با وردی از بین برود. نمی توانند و نمی خواهند چیزی درباره آن بگویند چرا بگویند؟

این گرایش، کمونیسم کارگری، میگوید که جنبش کارگری زنده است و به پیش میرود و تلاش دارد راه پیشروی آنرا نشان دهد و بگشاید، و ایشان ادعا دارند که این جنبش کارگری اقداماتش از سر استیصال است. این گرایش میگوید، طبقه کارگر باید قدرت سیاسی را در دست گیرد این ها میگویند، وقتی کارگران بر سر دستمزد مشکل دارند چه طور میتوانند قدرت سیاسی را بگیرند. این گرایش می گوید، کارگر حزب خودش را دارد و باید در آن متحد شود ایشان اینها اما میگویند که هنوز افق سوسیالیستی شکل نگرفته و کارگر باید تشکیلات صنفی خودش را دست به نقد بسازد. دعوت کردن گرایشات به اتحاد و در عین حال یکی از اصلی ترین گرایشات جنبش کارگری را

از تجهیز و توسعه کارخانه طبق تعهدی که صورت گرفته بود کارگران را به کار خود بازگرداند. از ۳۶۵ نفر کارگر ۲۳۴ نفر آنان به کار خود با توجه به سنوات خدمت باز گشته اند و ۱۶ نفر نیز در سال گذشته به کار

صفحه ۱۴

در مقابل استانداری این شهر تجمعی برگزار کردند. بنا به گزارشها کارخانه سعادت نساجان یزد حدود ۲۹ ماه پیش برای اجرای طرح توسعه این کارخانه تعداد ۳۶۵ نفر کارگر خود را به بیمه بیکاری جمهوری اسلامی حواله داد، تا پس

شعراهایی خواستار حضور نمایندگان مجلس مرتبط با مسایل کارگران در جمع خود جهت رفع مشکل بودند. • شعراهای این تجمع کنندگان عبارت بود از "قرارداد موقت ملغی باید گردد"، "قانون بیمان کاری ملغی باید گردد"، "خصوصی سازی محکوم است."

کارگران سعادت نساجان یزد به همراه خانواده هایشان تجمعی اعتراضی برپا کردند

صبح روز ۳۰ آبان جمعی از کارگران سعادت نساجان یزد به همراه خانواده های خود و در اعتراض به سه ماه بلاتکلیفی خود

اخباری از اعتراضات کارگران در کارخانه

های مختلف طی هفته آخر آبان

مقابل کارخانه ادامه دارد.

تجمع اعتراضی ۳۰۰ کارگر از کارخانه های مختلف در مقابل مجلس اسلامی

کارگران شرکت "تولیدی کیسه خوزستان"، در مقابل استانداری اهواز تجمع کردند

روز ۲۹ آبان دهها کارگر شرکت تولیدی "کیسه خوزستان" در اعتراض به ۲ ماه دستمزد پرداخت نشده خود و نیز اخراج از کار در مقابل فرمانداری اهواز دست به تجمع زدند. هم اکنون کارگران این شرکت همه روزه بر سر کارشان حاضر می شوند، اما با درهای قفل شده کارخانه رویرو میشوند. تجمعات اعتراضی کارگران در

روز ۲۶ آبان حدود ۳۰۰ کارگر از کارخانه های مختلف در اعتراض به قرارداد موقت در قانون کار در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. کارگران کاورهای سفید رنگی به تن داشتند که روی آنها نوشته شده بود خواهان لغو قرارداد موقت کار هستیم. این کارگران با سر دادن

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست

کارگری

را بخوانید

اعتصاب کارگران نساجی با پیروزی پایان یافت

روز شنبه ۲۸ آبان اعتصاب کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج که از روز دوم مهرماه آغاز شده بود با موفقیت پایان یافت. این اعتصاب در اعتراض به اخراج ۳۶ نفر از کارگران این کارخانه آغاز شد. بعداً در اطلاعیه کمیته اعتصابیون مطالبات کارگران به این شکل اعلام گردید.

۱- برچیدن انواع قرارداد خود تنظیمی و غیر قانونی کارفرما و انعقاد قرارداد دائم

۲- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت مابه التفاوت طرح به تمامی کارگران.

۳- پرداخت حق افزایش تولید سالها و ماههای معوقه به کارگران

۴- برگرداندن ۱۸ میلیون تومان سرمایه کارگران به تعاونی اعتبار که مدیر اداری مالی کارخانه مدت یکسال آن را برداشت نموده است

۵- انجام معاینات دوره ای برای تمام کارگران و مداوای کارگران بیمار.

۶- رعایت بهداشت محیط کار، ایجاد حفاظ و ایمنی برای دستگاهها و ماشینها، کاهش آلودگی گرد و غبار و سرو صدا در سالن تولید و امکانات بهداشتی

۷- پرداخت حقوق و مزایای

دوران اعتصاب طبق توافق اعلام شده امروز در پی مذاکره نمایندگان کارگران با کارفرما و مقامات دولتی در محل کارخانه نساجی کردستان این مطالبات باید اجرا شود. تنها بند مورد مشاخره بند ۷ بود. کارگران یک ماه و ۲۷ روز در اعتصاب بودند اما توافق به این ترتیب است که حقوق یک ماه و بیمه دو ماه کارگران پرداخت شود.

قبلاً در این مورد کارفرما و مقامات دولتی اعلام کرده بودند که یک ماه حقوق دوران اعتصاب را پرداخت میکنند اما این موضوع را به دادگاه ارجاع میدهند و طرفین باید رای دادگاه را اجرا کنند. کارگران این قید و شرط را

نپذیرفتند. امروز طی مذاکره ای که صورت گرفت توافق شد که یک ماه حقوق و دو ماه بیمه کارگران پرداخت شود. قطعاً این یک پیروزی چشمگیر برای کارگران نساجی است.

کمیته کردستان حزب این پیروزی را به همه کارگران نساجی و همه کارگران تبریک میگوید. این پیروزی قدم مهمی در راستای حرکت رو به جلو کارگران ایران بحساب می آید. این اعتصاب دارای دستاوردها و تجارب گرانبهایی است. باید این تجارب را آموخت و در دیگر حرکات و اعتراضات کارگری آنها را به کارگرفت.

ما به همه فعالین و دست اندرکاران این حرکت و همه کسانی

که در این مدت کارگران نساجی را حمایت کردند خسته نباشید و این پیروزی را تبریک میگوییم.

کمیته کردستان حزب مفتخر است که در تمام لحظات این حرکت کارگران نقش ایفا کرد.

پیروزی کارگران نساجی پیروزی همه ما و یک قدم جدی در راستای حرکت روبه جلوی جنبش انقلابی کارگران و مردم علیه رژیم اسلامی و سرمایه داران است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ آبان ۸۴ - ۱۹ نوامبر ۲۰۰۵

وزارت راه و ترابری اعلام کرده است.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت صنایع فولاد بندر امام

روز ۲۷ آبان بیش از ۳۵ نفر از خانواده های کارگران شاغل در شرکت صنایع فولاد بندر امام بدلیل عدم پرداخت مطالبات گذشته از سوی مدیر عامل شرکت در مقابل فرمانداری ماهشهر تجمع اعتراض آمیز برپا داشتند. در این حرکت اعتراضی کارگران مزایای شغلی خود را که از سال ۷۵ دریافت نکرده اند مطالبه می کردند. برای این مزایای عقب افتاده کارگران صنایع فولاد بارها اعتراض کرده اند، به دیوان عدالت شکایت برده اند و این دیوان رای بر پرداخت کلیه مطالبات کارگران داده است، اما کارفرما هنوز به این خواست کارگران پاسخی

صفحه ۱۵



دو اعتصاب مهم، دو تجربه بزرگ
نساجی شاهر، نساجی کردستان

شهر ناظر آبان ۱۳۸۴

خارج شده و در حال سوددهی می باشد. این کارخانه در شهرستان مرودشت در شمال شیراز قرار دارد و تولیداتش لوازم خانگی می باشد. تا رسیدن این خبر اعتراض کارگران ادامه داشته است و مدیریت و کارفرما تا کنون جوابی به خواستهای کارگران نداده است.

کارفرمای سدسازی دستمزهای کارگران را نمی پردازد

بیش از ۷۰۰ کارگر که در شرکت های سد سازی در سد سیمره دره شهر در استان ایلام مشغول به کار می باشند هشت ماه است که حقوق نگرفته اند. لازم به ذکر است که کارگران سد سیمره تا کنون بارها در اعتراض به عدم پرداخت دستمزهای معوقه شان دست به اعتصاب و تحصن زده اند که تاکنون هیچ نتیجه ای نگرفته اند.

کارگران شرکت ماتارو- طیس در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود تجمعی کردند

دهها کارگر شرکت راه سازی ماتارو - طیس نسبت به عدم پرداخت دستمزهایشان معترضند. کارگران شاغل در این شرکت مدت سه ماه است که حقوق نگرفته اند. کارفرمای این شرکت علت نپرداختن دستمزهای کارگران را عدم اجرای تعهدات بین این شرکت و

کرمانشاه و تهران در مقابل مجلس تجمع داشتند. مجلس اسلامی به محل تجمع دایمی معلمان حق التدریس تبدیل شده است. بنا به گزارشات حدود ۸۰ هزار معلمان بصورت حق التدریس کار میکنند. این معلمان با همان ساعات کاری و فشار کار معلمان سالهاست که به کار اشتغال دارند، اما خطر اخراج هر روزه آنها را تهدید میکند و با حداقل حقوق و بدون هیچ حق و حقوقی به کار اشتغال دارند. معلمان حق التدریسی خواهان استخدام رسمی خود به کار هستند.

تجمع کارگران بازنشسته کارخانه آزمایش مرودشت- فارس

روز چهارشنبه ۲۵ آبان ماه حدود ۱۰۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه آزمایش مرودشت- فارس در اعتراض به عدم پرداخت مزایای پایان کار و سنوات خود در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. کارگران معترض خواهان پرداخت به موقع خواستهها و مطالباتشان از حمله حق سنواتشان می باشند. در واکنش به این اعتراض کارگران، مدیر عامل این کارخانه بی شرمانه تأیید کرده است که کارخانه آزمایش بابت سنوات کارگران ۹ میلیارد ریال بدهکار می باشد. این در حالی است که به اعتراف مدیریت، کارخانه از بحران

اخباری از اعتراضات کارگران در کارخانه های مختلف ...

از صفحه ۱۳

استخدام معلمان در روز چهارم آذر ماه می باشند. معترضین که اکثرشان معلمین زن بودند می گویند که بعد از چهار تا پنج سال سابقه کار در تدریس و آموزش و پرورش دیگر نیازی به شرکت شان در این آزمونها نیست. معلمین معتقدند که برگزاری این آزمون و کسب نمره قبولی جهت استخدامشان در آموزش و پرورش نوعی تبعیض می باشد. روز اول آذر نیز جمعی از معلمان حق التدریس استان قزوین در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. تجمع کنندگان که حدود پنجاه نفر و اکثراً معلمان زن آموزش و پرورش هستند، همچون سالهای گذشته از اول مهر امسال با ابلاغ رسمی از وزارت آموزش و پرورش در سر کلاسهای درس حاضر شدند اما اکنون این وزارتخانه کلاسهای درس آنها را حذف کرده است و آنها از محل کار خود اخراج شدند.

این عده از معلمان هم چنین نسبت به گرفتن تعهدنامه از معلمان مبنی بر عدم اعتراض در صورت اخراج از آموزش و پرورش اعتراض داشتند.

در ۱۵ آبان نیز معلمان حق التدریس از شهرهای رباط کریم،

خود مشغول شده اند، اما برای ۷۴ نفر از کارگرانی که تاریخ پذیرش آنها طبق حکم اداره کار و امور اجتماعی اول شهریورماه بوده است، تا به حال هیچ گونه پذیرشی صورت نگرفته است و ۱۰۷ نفر کارگر دیگری که حکم پذیرش آنها اول دی ماه است نیز به همین وضع دچار خواهند شد. طبق همین گزارش این کارگران در تاریخ چهاردهم آبان ماه در دفتر امام جمعه یزد نیز تجمع اعتراض آمیزی در خصوص رسیدگی به خواستههای آنان در رفع بلا تکلیفی و استخدام آنان در کارخانه انجام داده اند و همچنین حدود یک ماه گذشته نیز نامهای اعتراضی به ریاست جمهوری ارسال کرده اند.

اعتراضات معلمان ادامه دارد

بیش از دو هفته است که مبارزات معلمان در اعتراض به عدم برخورداری از حق استخدام و پائین بودن دریافتی هایشان ادامه دارد. بر اساس آخرین اخبار رسیده روز چهارشنبه ۲۵ آبان ماه دهها نفر از معلمان در برابر مجلس اسلامی تجمع اعتراضی بر پا داشتند. معلمان معترض خواهان استخدام در آموزش و پرورش و لغو آزمون

بیانیه کمیته اعتصابیون نساجی کردستان

پس از ۵۶ روز اعتصاب و مبارزه هر روزه علیه کارفرمایان و ارگانهای مختلف دولتی حامی آنها، از اداره کار تا حراست و اطلاعات و نیروهای انتظامی، علیرغم اذیت و آزار هرروزه فعالین و رهبران این اعتصاب، و علیرغم اینکه از همه ابزارهای تهدید و فریب استفاده کردند تا اعتصاب ما را بشکنند و ما را به شکست و تسلیم بکشانند، اما هوشیاری و اتحاد ما و همبستگی مردم با ما، این اعتصاب را به پیروزی رسانید. جا دارد از همه سازمانهای کارگری و احزاب و سازمانهایی که از ما حمایت کردند و یا خبر این اعتصاب را به گوش دیگران رساندند و همینطور از مردم سندج، صمیمانه قدردانی کنیم. بویژه از

کرد. و همبستگی با اعتصاب ما، زمینه همبستگی های خیلی بزرگتر و سراسری تر را به همه نشان داد. این اعتصاب بار دیگر به همه ما نشان داد که اتحاد و همبستگی و تشکیلات یک نیاز حیاتی برای کارگران است. اینها گوشه ای از درسهای اعتصاب کارگران نساجی کردستان است. قطعاً پیروزی کارگران نساجی کردستان دستاوردی قابل توجه برای جنبش کارگری است. این پیروزی برگ دیگری از حقانیت ما را در تاریخ ثبت کرد و نشان داد که مبارزات کارگران مرز ندارد و دستاوردهای ما دستاوردی برای کل جنبش کارگری است. زنده باد همبستگی کارگری مرگ بر سرمایه داری زنده باد برابری و رفاه برای همه انسانها کمیته اعتصابیون نساجی کردستان ۲۹ آبانماه ۸۴ - سندج

کارگران آلمین در دادگاه موفق شدند

کارفرما محکوم و به زندان فرستاده شد

کارگران کارخانه الومین از کارفرما شکایت کردند که باید برای از دست دادن سلامتی خود کارفرما خسارت پرداخت کنند. بعد از ماهها دوندگی کارگران موفق شدند پیروز شوند و عندلیب پیرای کارفرمای این کارخانه مقصر شناخته شد. بر اساس حکم دادگاه وی به پرداخت خسارت محکوم شد. اما کارفرما حاضر به پرداخت خسارت نشد و به زندان فرستاده شد. با این وجود بعد از ۳ ساعت بازداشت در زندان با وثیقه آزاد شده است. کارگران در این مرحله از شکایت پیروز شدند ولی کارفرما حاضر به پرداخت خسارات به کارگران

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۹ آبان ۱۳۸۴ - ۱۰ نوامبر ۲۰۰۵

پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند

از روز ۲۷ آبان بیش از نیمی از کارگران شرکت پتروباد عسلویه در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه دستمزد خود دست به اعتراض زدند و روز ۲۸ آبان مابقی کارگران این شرکت که حدود ۳۰۰ نفر میشدند به همکاران خود پیوستند و تمام شرکت وارد اعتصاب شد. کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواست خود و دریافت تمام حقوق پرداخت نشده شان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

کارگران شرکت "لامپ الوند" قزوین، دست به راهپیمایی زدند

روز ۲۱ آبان بیش از ۱۰۰ کارگر شرکت "لامپ الوند" قزوین در اعتراض به نپرداختن بیش از ۵ ماه دستمزد هایشان دست به تجمعی اعتراضی زدند. شرکت لامپ الوند ۵۰۰ نفر کارگر داشت که ۴۰۰ نفر آنها اخیراً اخراج شده اند و اکنون تنها تعداد ۱۰۰ نفر در این کارخانه به کار اشتغال دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ آذر ۱۳۸۴

خودداری می کند. پرداخت وام کم بهره، و ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن و تمديد دفترچه فرزندان پسر حداقل تا پیش از ازدواج از دیگر خواستهای این کارگران بود.

کارگران بیمارستان مهدیه هفت ماه حقوق خود را طلبکارند

۱۲۰ کارگر بیمارستان مهدیه هفت ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران این بیمارستان بارها و بارها در اعتراض به حقوق معوقه خود تجمع کرده و خواهان پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده خود شده اند. بنا به گزارشها تحت این فشارها و با وجود قولهای مساعد مسولان استانی جهت راه اندازی بیمارستان موقوفه مهدیه کرمانشاه، تاکنون هیچ اقدام موثری در این زمینه صورت نگرفته است. یکی از کارگران شرکت میل پارس در اثر فشار کار جان سپرد در هفته آخر آبانماه یکی از کارگران شرکت میل پارس در تهران در اثر فشار کار جان باخت. فرخ چایچی کارشناس روابط کار و منابع انسانی شرکتها که شرکتی دولتی است، علت مرگ این کارگر را خستگی و کار بیش از اندازه گزارش کرده است.

کارگران شرکت پتروباد در عسلویه در اعتراض به عدم



اخباری از اعتراضات کارگران در کارخانه های مختلف ...

از صفحه ۱۴

۷۰ بازنشسته شده است نصف کسانی که بعد از این سال باز نشسته شده اند حقوق بازنشستگی دریافت میکنند. حداکثر دریافتی این کارگران ۱۸۰ هزار تومان در ماه یعنی رقمی بسیار پایین تر از خط فقر اعلام شده دولت است. این کارگران همچنین به خارج شدن فرزند پسر در سن ۱۸ سالگی از تکفل والدین معترض بودند و میگفتند در حالی که اکثر کشورها به افراد بیکار حقوق ماهانه پرداخت می کنند، تامین اجتماعی ما از ارایه خدمات درمانی به فرزند پسر تحت تکفل والدین نیز پس از ۱۸ سالگی

شمالی خواهان افزایش حقوق بازنشستگی خود متناسب با رشد نرخ تورم شدند

روز ۲۴ آبان جمعی از بازنشستگان خراسان شمالی با تجمع در مقابل تامین اجتماعی خواهان افزایش حقوق خود متناسب با نرخ تورم شدند. بنا به گزارشها حقوق بازنشستگان نسبت به یکدیگر و نسبت به اینکه در چه سالی بازنشست شده اند متفاوت است و سطح حقوق دریافتی آنها بسیار پایین و نازل است. بطور مثال کارگری که در سالهای قبل از سال

نداده است. کارفرما حتی بعد از رای دیوان عالی مبنی بر پرداخت حقوق کارگران تعدادی از آنان را تحت عنوان ماموریت به شرکت فولاد اهواز فرستاد که پس از مدتی کارگران فهمیدند که اعزام آنها به این کارخانه برای ماموریت نبوده است، بلکه آنان به صنایع فولاد منتقل شده اند. طی تجمع اعتراض آمیز کارگران و خانواده شان در مقابل فرمانداری ماه شهر فرماندار ناگزیر شما به میان کارگران بیاید و با قول مساعد او مبنی بر پیگیری خواست کارگران این تجمع پایان یافت. بازنشستگان استان خراسان

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

A Biweekly Publication of the Worker-communist Party of Iran
on the Working Class Movement Issues



تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر يك امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از يك امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری يك آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، يك نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن يك آینده بهتر، يك جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.